

تشدید هر چه بیش تر سرکوب سیستماتیک زنان!

بهرام رحمانی
bamdadpress@ownit.nu

مقدمه

حکومت اسلامی ایران، ویژگی های خاص خود را دارد. این حکومت، اسلامی - بورژوازی است و در این سه دهه، همواره تلاش کرده است کتاب های درسی از ابتدایی تا دانشگاهی و هم چنین همه قوانین خود را با قوانین اسلامی منطبق سازد. این حکومت و به خصوص بنیان گذار آن روح الله خمینی، رسماً و علناً اشاعه دهنده تروریسم دولتی بود. او، دشمن درجه یک آزادی های فردی و اجتماعی، آزادی بیان و اندیشه و برابری زن و مرد بود. او، از همه عوامل و عناصر و ارگان های دولتی می خواست که دشمنان اسلام و حکومت را هر جا یافتند به قتل برسانند. او، طرفدار سرسخت جنگ و خونریزی بود و به همین دلیل به ادامه جنگ ایران و عراق با شعار «راه قدس از کربلا می گذرد» تاکید کرد و ده ها هزار انسان را به قتل گاه جنگ فرستاد و حتی هنگامی که در حال شکست و عقب نشینی مجبور شد قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل مبنی بر آتش بس جنگ ایران و عراق را بپذیرد رسماً اعلام کرد که «جام زهر را سر کشید». او، مشوق ازدواج دختران ۹ ساله بود و به همین دلیل جشن تکلیف را در مدارس مرسوم کرد. در حالی که در قوانین این حکومت، دختر تا ۱۸ سالگی نمی تواند حساب بانکی باز کند. او، به سنگسار و قوانین غیرانسانی قصاص چشم در مقابل چشم تاکید می کرد و از اعدام و ترور مخالفین لذت سادیسمی می برد. به فرمان او، زندانیان سیاسی، به ویژه در بهار و تابستان ۱۳۶۷ قتل عام شدند. دختری که باکره بود و به اعدام محکوم شده بود، نخست به عقد پاسداری درمی آوردند و پس از تجاوز به این زندانی او را اعدام می کردند و در برخی مواقع بی شرمانه پاسدار متجاوز با یک قوطی شیرینی به در خانه دختر اعدام شده می فرستادند تا از این طریق خبر تجاوز به دخترشان و اعدام او را به خانواده اش اطلاع دهد. چون که در اسلام، اگر دختری باکره اعدام شود مستقیماً به «بهشت» می رود به همین دلیل باید نخست باکره کی او را از بین برد و سپس اعدام کرد.

در یک کلام خمینی، پایه هایی حکومت اسلامی را بر روی جهل و جنایت، ترور و آدم کشی، جنگ و خونریزی، دزدی و غارت اموال مردم و ثروت های طبیعی کشور، تجاوزگر به جان و مال مردم، شکنجه و تجاوز زندانیان، اعدام و سنگسار و قصاص یاسه گذاری کرد.

حکومتی که پایه هایش با جهل و جنایت و تجاوز گذاشته شده است تا آخر حاکمیت خود همین مسیر را طی خواهد کرد و رفرم و اصلاحات در آن تاثیر چندانی ندارد چرا که ماهیت و پایه های آن ارتجاعی فاسد است. به طوری که حتی هر آدمی و جریانی به آن نزدیک شود بلافاصله جامعه او طرد می کند. بنابراین، جامعه ایران، به دست یک مشت جنایت کار افتاده و مردم یک مشت آدم کش و متجاوز اسیر است.

در این سه دهه، فقط بحث بر سر ستم و استثمار نیروی کار و آفرینندگان نیازهای جامعه نیست. زیرا این ستم و استثمار کمابیش در همه کشورهای جهان وجود دارد. اما در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، مثلاً اگر دختری و زنی مورد تجاوز قرار گیرد و به مقامات قضایی و دادرسی حکومت مراجعه نماید قبل از این که به شکایت او رسیدگی شود محکوم است. به همین دلیل دست همه مردسالاران و متجاوزان باز گذاشته شده است تا هر جنایتی از جمله تجاوز به زنان و دختران و پسران خواستند، بدون کمترین نگرانی قانونی و پیگرد قضایی مرتکب شوند. تاکنون هزاران نمونه از این دست تجاوزها و کشتن زنان و دختران در رسانه ها منعکس شده است. یک نمونه تجاوز به زندانیان در قتل گاه کهریزک آن هم با تجاوز به یکی از فرزندان مقامات عالی رتبه حکومتی علنی شد. شکنجه گران این زندان، تعدادی از زندانیان را در زیر تجاوز و شکنجه به قتل رساندند به طوری که سیدعلی خامنه ای این سردسته جنایت کاران و متجاوزان و دزدان با عجله دستور تعطیلی آن را صادر کرد بدون این که عاملان تجاوز به زندانیان و کشتن آن ها را به جامعه معرفی و محاکمه کنند. اخیراً اعلام شده است که این زندان دوباره فعال شده است.

طرح های امنیتی پلیس به اشکال مختلف و نام های گوناگون طی این چند سال اجرا شده است. از سویی بسیاری از مسئولان و مقامات حکومت اسلامی، برای اجرای طرح گسترش حجاب در سازمان های دولتی مثل صدا و سیما و آموزش و پرورش و دانشگاه ها تلاش می کنند و از سوی دیگر، نیروی انتظامی اقدام به دستگیری افراد «بدحجاب» کرده است.

سردار روزبهنی، در گفتگو با ایسنا، با اشاره به این که ماموران پلیس همیشه در تفرجگاه ها، پارک ها حضور دارند، گفت: «طی سال گذشته حدود ۷۰ هزار نیروی پلیس امنیت اخلاقی برای ایجاد امنیت در حاشیه رودخانه ها، پارک ها، جنگل ها و... حضور داشتند». او، افزود: «از اوایل خرداد ماه امسال شدت حضور پلیس در تفرجگاه ها، بیش تر خواهد شد و ماموران پلیس شناسایی ارادل و اوباش، مواد فروشان، توزیع کنندگان سی دی های مبتذل و افرادی که اقدام به فروش مشروبات الکلی می کنند، را شناسایی و با آن ها برخورد خواهند کرد». روزبهنی، ادامه داد: «ماموران پلیس امنیت اخلاقی در برخی از تفرجگاه ها در ایستگاه های سیار پلیس و در برخی از مناطق هم به صورت گشتی حضور خواهند داشت.»

سئوال این است در حال که مملکت با صدها معضل و مشکل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی روبروست و میلیون ها انسان در این مملکت خدایان سرمایه، حتی با گرسنگی دست و پنجه نرم می کنند چرا این همه هزینه صرف سرکوب زنان می شود؟ آیا واقعا هدف با بدحجابی و بزهکاری است یا حکومت از این طریق می خواهد کل خانواده ها را درگیر افکار ارتجاعی مردسالاری و ناموس پرستی و تفرقه نماید تا از یک سو کنترل بیش تری بر

جامعه داشته باشد و از سوی دیگر، حضور زنان در جامعه و به ویژه تظاهرات های خیابانی را بگیرد. در اعتراضات خودجوش مردمی سال گذشته، زنان و به ویژه دختران جوانان شهامت و جسارت و استقامت فوق العاده و بی نظیری از خود در مقابل نیروهای سرکوبگر حکومت نشان دادند.

اکنون از رهبر و رییس جمهوری گرفته تا قوه قضائیه، مجلس، امام جمعه و پلیس و انصار حزب الله بسیج شده اند تا با «بدحجابی» و «تامین امنیت اجتماعی»، یعنی سرکوب آزادی های مردم و درگیر کردن خانواده ها با مشکلات درون خانواده و تفرقه اندازی بین زن و مرد، خواهر و برادر، والدین و فرزندان، کنترل پلیسی خود را در جامعه افزایش دهند.

در واقع می توان گفت که سران حکومت اسلامی، برای حفظ حاکمیت غیرانسانی خود، با صرف هزینه های کلان تمام نیروهای سرکوبگر و ارتجاعی خود را در خیابان ها، اماکن عمومی، مدارس، دانشگاه ها، کارخانه ها و کارگاه ها، ادارات دولتی و خصوصی و حتا پارک ها و دیگر مکان های تفریحی به جان زنان و دختران و جوانان انداخته اند. از سوی دیگر، به دلیل که هیچ مرجع قانونی و دولتی و غیردولتی برای دفاع از زنان و دختران که مرود تجاوز قرار گرفته اند وجود ندارد و از سویی به دلایل ناموس پرستی و عوامل دیگر، فضایی به وجود آورده که دست مقامات قضایی، اجرایی، قانون گذاری و هم چنین امنیتی - پلیسی حکومتی برای تجاوز به زنان و دختران کاملا باز است.

در دفاع از اسلام عزیز و ائمه و اطهار و به ویژه حکومت اسلامی، سران و مقامات و مسئولان ریز و درشت حکومت اسلامی به عنوان نمایندگان خدا در ایران، مجازند به هرگونه جنایتی بر علیه بشریت دست بزنند. در این جا، به سه نمونه از تجاوز حکومتیان به زنان را بازخوانی می کنیم. تصور کنید در یک کشور ۷۵ میلیونی با آن همه قوانین ارتجاعی و غیرانسانی روزانه چند هزار جنایت و تجاوز توسط حکومتیان و عوامل آن در بخش های مختلف جامعه، صورت می گیرد؟ آن هم در شرایطی که هیچ کس نه جرات بیان آن را دارد و نه از حمایت قانونی برخوردار است. صدای زنان به رسانه ها نمی رسد. بر این اساس، سرنوشت زنان و دختران مورد تجاوز قرار گرفته در ایران، بسیار دردناک است و به احتمال زیاد با ناراحتی روحی و جسمی و حتا قتل و خودکشی همراه است. این سه نمونه اخیر که در سایت های اینترنتی منتشر شده است تنها مثنی از خروار است. درباره هر کدام از آن ها می توان سناریوی فیلم، تئاتر و کتاب تکان دهنده و وحشتناکی نوشت. علاوه بر این، به بسیج حکومت و ارگان های سرکوب آن در جهت سرکوب هر چه شدیدتر زنان می پردازیم.

۱- ترانه موسوی

سایت جرس، دوشنبه بیست و هفتم اردیبهشت ۱۳۸۹، در رابطه با نقش حسین طائب در تجاوز به ترانه موسوی، نوشت: با گذشت نه ماه از انتشار خبر ربایش، تجاوز و قتل ترانه موسوی، در جریان بازداشت های پس از انتخابات ریاست جمهوری و کتمان و صحنه سازی های حکومت برای جعلی نشان دادن تمام این ماجرا، منابع خبری موثق از نقش مستقیم حسین طائب، رییس وقت بسیج و معاونت اطلاعات فعلی سپاه در این رابطه خبر می دهند.

ترانه موسوی، نام دختر جوانی بود که منابع خبری و شاهدان عینی اعلام کردند در جریان حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری و در حاشیه تجمعات هفتم تیر در اطراف مسجد قیام تهران توسط نیروهای لباس شخصی دستگیر و پس از بازجویی های شدید، مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و در نهایت به قتل رسیده است. منابع خبری خاطرنشان کرده بودند که خانواده این دختر جوان پس از تماسی تلفنی از یک بیمارستان مبنی بر بستری شدن او به علت جراحت در دستگاه تناسلی به بیمارستان مراجعه می کنند، ولی دخترشان را در آن جا نیافته و مدتی بعد جسد سوزانده شده او را در منطقه ای دیگر می یابند.

همان زمان مهدی کروبی، در جریان نامه تاریخی خود به هاشمی رفسنجانی و هم چنین نامه هایی که در این زمینه به مراجع مختلف ارسال کرد، اشاره ای واضح به ترانه موسوی کرده بود.

به گزارش منابع خبری جرس، در جریان بالا گرفتن اختلافات اخیر میان سپاه و وزارت اطلاعات که یکی از نتایج فوری آن انتقال تمامی افراد تحت بازداشت سپاه به وزارت اطلاعات بوده، وزیر اطلاعات با پرونده بسیار محرمانه طائب مسئول فعلی اطلاعات سپاه و فرمانده اسبق بسیج مواجه گشت که برابر این پرونده، «در مقر طائب در خیابان سنول تهران، در جریان بازداشت های معترضان خیابانی به چند دختر از جمله ترانه موسوی تجاوز شده است.»

لازم به ذکر است همان زمان و در زمان افشای اولیه این قضیه، طائب به کمک دستگاههای امنیتی نزدیک به خود و عواملی در سپاه، مدعی شد که ترانه موسوی در کاناداست...

منبع خبری جرس، هم چنین خاطرنشان کرد شاهدان عینی از میان کسانی که با ترانه موسوی در بازداشتگاه مقر طائب با وی بوده اند، حضور و زاری های وی در جریان بازجویی را به مسئولان ستاد تحقیق ستاد موسوی و کروبی شهادت داده بودند، که نکته جالب توجه این است که «تمام اعضای ستاد تحقیق که شنونده این شهادت ها بوده اند، توسط سپاه بازداشت و تحت فشار قرار گرفتند.» این منبع خبری تصریح کرد به نظر برخی کارشناسان وزارت اطلاعات، وقوع چند فقره تجاوز در مقر سابق حسین طائب در خیابان سنول تهران حتمی بوده؛ اما نکته قابل توجه تر این که طائب پس از اطلاع از پرونده یادشده، به حیدر مصلحی هشدار می دهد که پرونده اخلاقی دهه شصت وی در اصفهان، هم اکنون در حفاظت اطلاعات سپاه در دست مطالعه می باشد.

گفتنی است طائب سال ها با نام میثم، در بخش ضدجاسوسی وزارت اطلاعات مشغول به کار بوده است. گزارش مذکور هم چنین می افزاید در حالی که اختلاف بین این دو نهاد قدرتمند بسیار بالا گرفته و در مواردی کار به جاهای حساس و گروکشی کشیده، این موضوعات احتمالا با پا درمیانی آقای خامنه ای و صدور حکم حکومتی وی خاتمه یابد. طائب پاییز سال گذشته به طور ناگهانی از فرماندهی بسیج عزل شد.

بعد از انتشار خبر ترانه موسوی و پس از ارسال نامه افشاگرانه کروبی به هاشمی و ارجاع این نامه توسط هاشمی به شاهرودی رییس وقت قوه قضائیه، طائب در جریان این پیگیری فرار می‌گیرد. او که بشدت وحشت کرده، در صد چاره جویی بر می‌آید و با یاری گرفتن از خانواده باجناقش به عنوان بازیگر، تلاش می‌نماید در جمعی خصوصی و خانوادگی صورت مساله ای به نام ترانه موسوی را پاک کند.

این سناریو در برنامه سیمای جمهوری اسلامی عملی می‌شود که طی برنامه ای، ضمن شایعه دانستن خبر تجاوز و قتل ترانه موسوی، ترانه را زنی چهل ساله، زنده و ساکن کانادا معرفی شد و در این خصوص با اشخاصی که خانواده ترانه موسوی معرفی شدند، مصاحبه گردید. پس از پخش این گزارش انتقاداتی در مورد صحت آن بیان گردید و ادعای صدا و سیما در خصوص تحقیق و هماهنگی با ثبت احوال و نیروی انتظامی و وجود تنها سه شخص به نام «ترانه موسوی» با پیدا شدن افراد دیگری با همین نام به چالش کشیده شد. گفتنی است صدا و سیما در آن برنامه ابتدا فردی که به بنا به شهادت منابع موثق از پرسنل نیروی انتظامی بود را، به عنوان کارشناس ثبت احوال معرفی می‌کند که وی بطور قاطع می‌گوید که فقط سه ترانه موسوی وجود دارد؛ بجز یکی که دو ساله است، دو نفر دیگر یکی در فرانسه متولد و همانجا زندگی می‌کند و ترانه موسوی سوم نیز از کشور خارج و دیگر بازنگشته است. بلافاصله گزارشگر، برنامه را با مصاحبه با مادر یکی از ترانه موسوی‌ها ادامه می‌دهد و وی می‌گوید که دخترش در کانادا زندگی می‌کند و آخرین بار نیز سال گذشته به ایران سفر داشته است.

کروبی بلافاصله نامه ای به حجت الاسلام شاهمرادی برادر شوهر ترانه همان ترانه موسوی که مقیم کانادا معرفی شده بود، از نقش طائب در پرده پوشی قتل ترانه پرده برداشت و افشا کرد که وی باجناق حسین طائب است و در جهت سناریو سازی گام برداشته است. کروبی خاطرنشان کرده بود «آقای شاهمرادی برادر عزیز من! ما نمی‌توانیم جنایتی که در حق این مردم شده است را نادیده بگیریم و این خواست پروردگار بوده که این جنایات برملا شود.»

و در نهایت مرتضی الویری عضو «کمیته پیگیری حقوق بازداشت شدگان و آسیب دیدگان حوادث پس از انتخابات»، اعلام کرد که ترانه موسوی یکی از جان باختگان است و نیز از صدا و سیما به دلیل انتشار اخبار کذب انتقاد کرد.

بنا به گزارش منابع خبری، روز هفتم تیرماه سال گذشته، ترانه موسوی که در تقاطع میرداماد و شریعتی کلاس آرایشگری داشت، ماشین خود را در یکی از خیابان‌های فرعی بین حسینیه ارشاد و میرداماد پارک کرده بود و در تماسی تلفنی با یکی از دوستان خود قرار گذاشته بود. قبل از رفتن به آموزشگاه به مسجد قبا که مراسم هفتم تیر توسط سبزه‌ها برگزار شده بود سر بزند و آنجا یکدیگر را ببینند. هنگامی که دوست ترانه به محل قرارشان رسید دید ترانه دستگیر شده و سوار یک ون شد. ترانه موسوی در محل بازداشت موقتش که ساختمانی در نزدیکی پاسداران بود، شماره تلفن خود را به دستگیر شدگان دیگر داده و از آنان می‌خواهد در صورتی که آزاد شدند با خانواده‌اش تماس بگیرند و دستگیری او را به خانواده‌اش اطلاع دهند.

پس از حدود سه هفته که خانواده ترانه از وی بی‌خبر بودند، فردی ناشناس در تماس تلفنی به مادر ترانه گفت دخترش در بیمارستان امام خمینی کرج بستری است. آن‌ها دلیل بستری بودن وی در بیمارستان را تصادف و خونریزی عنوان کردند. در پی این تماس تلفنی، خانواده ترانه موسوی به آن بیمارستان مراجعه کردند اما نتوانستند او را بیابند. مسئولان بیمارستان گفتند شخصی با این نام در این بیمارستان بستری نیست. اما یکی از کارکنان بیمارستان به آن‌ها گفت لباس شخصی‌ها خانمی با مشخصات ظاهری ترانه را در حالی که بیهوش بود به بیمارستان آوردند و در همان حالت بیهوش او را برگرداندند. بعدها خبر کشف جسد سوزانده شده ترانه در بیابان‌های اطراف کرج انتشار یافت.

چندی پیش محمد مطهری، از فرزندان آیت الله مطهری در این زمینه نوشته بود: «شریعی که توسط یک «شهروند» آلمانی در یک کشور سکولار کشته شد و در بیش از دویست بخش خبری در کشورمان از او یاد شد بسیار مظلوم بود، اما آیا یک جوان ایرانی که در یک اعتراض آرام خیابانی دستگیر شده و بعد جنازه اش در سانسور کامل خبری - آن هم در کشوری که خود را پرچمدار استقرار عدالت در جهان می‌داند - از بازداشتگاه بیرون می‌آید صدها بار مظلوم‌تر از شریعی نیست؟... به سبب سیاست خبری موجود، کسی نمی‌داند آیا مثلا آن چه در مورد افراد بی‌کسی مانند «ترانه موسوی» دهان به دهان می‌گردد راست است؟ خانواده وی که ظاهرا در اطراف مسجد قبا دستگیر شده به کجا باید مراجعه کنند؟ متاسفانه سیاست خبری رسانه ملی هر خبری را باورپذیر کرده‌است. آیا رسانه ملی در مورد آن چه بر او گذشته‌است خبر موثقی خواهد داد و در صورت اثبات جرم، مجرمین را معرفی خواهد کرد؟ اگر چنین باشد امیدی به عدم تکرار این گونه فجایع هست اما به نظر می‌رسد این رسانه، فعلا موظف به رصد کردن ظلم در جهان به جز ایران است آن هم در مورد کشورهای که با ایران مشکل سیاسی دارند.»

سرکوب تظاهرات مسجد قبا (هفتم تیر ماه ۸۸) توسط قرارگاه ثارالله که زیر نظر طائب فعالیت می‌کرد، صورت گرفت. بنا به گزارش‌های موثق، دستگیرشدگان آنروز با ون‌های سیاه رنگی از صحنه منتقل شدند که این ون‌های سیاه انحصارا متعلق به قرارگاه ثارالله می‌باشد. بازداشتی‌ها از محل دستگیری به مرکز قرارگاه ثارالله در خیابان سنول انتقال داده شدند.

گزارش‌های متعدد تاکید داشتند که طائب شخصا بازجویی برخی از این افراد را بر عهده داشته و به قول خودشان دنبال رهبران و سرخط‌های تظاهرات بودند تا از طریق آن‌ها شبکه سازماندهی‌کننده پشت تظاهرات را کشف کنند. در بین بازداشتی‌ها ترانه موسوی بدلیل تشابه اسمی با میرحسین موسوی مورد توجه طائب قرار گرفته و از نیروهایش می‌خواهد که وی را برای بازجویی به اطاق خاصی ببرند.

این گزارش‌ها خاطرنشان ساخته بودند «محوطه بازداشتگاه از اطاق‌های شکنجه و بازجویی جدا بوده و زندانی‌ها در درب ورودی ساختمان بازجویی به بازجویان تحویل داده می‌شدند و به جز بازجویان، هیچ‌یک از زندانیان و

پرسنل بازداشتگاه اجازه ورود به این ساختمان را نداشته و اساساً نمی دانستند که در آن جا چه می گذرد و برای شکنجه از چه تجهیزاتی استفاده می شود.» و ترانه موسوی توسط افرادی که در این مجموعه کار می کردند، برای آخرین بار به هنگام تحویل به ساختمان بازجویی دیده شده و بر خلاف سایر زندانیان که بعد از شکنجه و بازجویی دوباره به بازداشتگاه عودت داده می شوند، هرگز به بازداشتگاه باز گردانده نشد. روز بعد نام وی به دستور طائب از لیست بازداشتی ها حذف می گردد.

هنوز از سرنوشت این ماجرا، هم چون پرونده هایی مانند کهریزک، حمله به کوی دانشگاه، مجتمع سبحان و ...، خبری در دست نیست.

۲- خانم بهاره مقامی

بهاره، معلم مدرسه کودکان که در جریان اعتراضات بعد از انتخابات، توسط نیروهای حکومت دستگیر و سپس از سوی «حسین طائب»، فرمانده وقت بسیج مورد تجاوز قرار گرفت. وی، به مناسبت روز معلم شرحی از اتفاقاتی که در زمان دستگیری بر او گذشته، نوشته است که بسیار تکان دهنده است.

وی یادآوری کرده است که این نوشته به بهانه مقاله ای است که روز جمعه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۹ برابر با ۲۰ آوریل ۲۰۱۰، تحت عنوان «برای معلم کودکان، بهاره مقامی» منتشر شد:

«به مناسبت روز معلم در بلندای اندیشه و در اندیشه ای بلند بود که حافظ گفت آن یار کز او گشت سر دار بلند؛ جرمش این بود که اسرار هویدا می کرد. حال پس از گذشت صدها سال از این اوج به چنان هزیری رسیده ایم که رییس دولتمان؛ که باید دولتمرد باشد؛ مخالفین را بزغاله می خواند و گویندگان اسرار را نه تنها بر سر دار سربلند نمی کند، که در کنج سردابه ها و دخمه های تنگین حرص و هوس به داعی می آلاید که دیگر سری برای بلند کردن باقی نمی ماند. سر می ماند، اما جان گویی که از درون جسم رخت بر بسته است. حالا برای سر بلند کردن عبور از دیوار های سترگ فرهنگی پوسیده و متعصب لازم است. از همه سوی پیام های هم وطنانم را می شنوم که می گویند بهاره سر بلند کن، آری، از بیرون گود گفتنش آسان است؛ همین پیام های روح بخش بود اما که مرا به زندگی باز گرداند، زندگی قلیم نه، یک زندگی جدید، با یک هدف جدید و برای فردایی جدید. نه تکرار وهم آلود قرنهای تبعیض و استبداد و سرکوب. جان اما دیگر برایم آن قدرها عزیز نیست، می دانم آن قدر فریادم تکثیر شده است که خاموشی نمی پذیرد. در ماه هایی که گذشت بارها آرزوی مرگ کردم، جانم را هم اگر بگیرند به آرزویم رسانده اند، پس می گویم، می گویم چرا که من دیگر شکست ناپذیرم، تبدیل به صدایی شده ام که از هزاران حنجره فریاد می شود، هم میهنم، پروازم را به خاطر بسپار. از حسین می نویسم. دقت کرده اید که در فیلم ها و سریال های جمهوری اسلامی نام شخصیت جنایت کار و قاچاقچی فیلم همیشه کامیوز است، یا کورش یا جمشید؟ و در مقابل شخصیت مثبت و نجات دهنده همیشه حسین است، یا علی، یا محمد، ترجیحاً ملقب به حاجی و سید؟ در سرگذشت من اما نقش ها جابه جا شده بود، حسین قصه غصه من، مرا به گور عشق و امید هدایت کرد. گویی دری از درهای جهنم باز شده بود و موجودی که انگار تجسم هر آن چه زشت و کریه است و منفور پا به جهان گذاشته بود. کوهی از نفرت و توحش که در لباس مردی روحانی به نماز ایستاده بود، و دقایقی پس از پایان نماز در بستر خونین دختری هراسان به تجاوز نشسته.

... نامش را نمی دانستم، عکسش را که در اینترنت دیدم او را شناختم، کابوس شبان و روزهایم را. صورت پوشیده از ریشش را و نفرین ابدی چشم های هرزه اش را. عباي متعفن و خیس از عرق تابستانش را. حسین طائب را. گفت دانش جوی کجایی؟ گفتم دانش جوی دانشگاه تربیت معلم بوده ام، حالا هم درس تمام شده و کار می کنم، معلم. گفت به دستور کی به خیابان آمدی؟ لیدرت کی بوده؟ گفتم هیچ کس، لیدر نداشتم. پاسخ دست سنگینش بود که پشت سرم فرود آمد، صورتم خورد به میز مقابل و صدای دندان هایم را شنیدم که ریخت توی دهنم. خودش ماها را انتخاب کرده بود، من و هشت دختر دیگر را، از میان گروه ۴۰-۳۰ نفری بازداشت شدگان. نمی دانم بر چه اساسی انتخاب می کرد، هیچ کدام از ما فعال سیاسی نبودیم. ما را جدا کرد و برد به یک بند. گویا در زندان خیابان سنول در قرارگاه ثارالله بودیم، این را از روی شرح حال های دیگرانی که آن جا بوده اند می گویم، چون همه ما را وقتی گرفتند چشم بند زدند و با ماشین های سیاه رنگی بردند. همین را می دانم که در زیر زمین بودیم. بعد از حدود یک شبانه روز سرگردانی و بی خبری به بندمان آمد. آمد و یکی از ما را که دختر زیبا و مهربانی به اسم مهسا بود همراه برد. تا به حال شده پرنده کوچکی را در دست بگیرد و ببیند که قلیش چقدر تند می زند؟ قلب مهسا همان طور می طپید. فکر کردیم شاید می خواهند آزادش کنند، یا شاید خانواده اش آمده اند دنبالش، شاید وثیقه بگذارند و ببرندش. هیچ کس نمی دانست که چه سرنوشتی در انتظار است. یکی از دختران همینند که شوخ طبع و سرخوش بود سعی می کرد که جوک بگوید و بقیه را بخنداند و حال و هوا را کمی عوض کند. همه اما از بی خبری و انتظار در عذاب بودند. ناگهان صدای ضجه جگرخراش مهسا بلند شد. صدای فریاد او آنقدر جانسوز بود که همه ما را در جا میخکوب کرد. همه در سکوت و بهت و ناباوری به هم خیره شدند. رعب و وحشت بر تن همه مان سایه انداخته بود، دیگر کسی جوک نگفت، دیگر کسی نخندید، مهسا را دیگر ندیدم؛ یادآوری این صحنه ها هنوز هم برای من سهمگین است، هنوز هم نگاه آخر او را به خاطر دارم، هنوز هم صدایش در گوشم می پیچد، با این حال در نهایت نا امید می نویسم مهسا جان، اگر هستی و این را می خوانی از خودت پیغامی بده. بگو که هستی، بگو که زنده ای. حسین پس از این که بازجویی!! را تمام کرد مرا به دست دو زندانبان بی صبری که دم در مراقب بودند سپارد تا آن ها هم به من تفهیم اتهام کنند و محاکمه و حکم، همه را یک جا برگزار کرده باشند.

چه بودم برایشان؟ غنیمت جنگی؟! اما کدام جنگ؟ واجب القتل؟! اما به کدامین جرم؟ مفسد فی الارض؟! برای معلمی؟ خس و خاشاک؟! آری، من خسی بودم در چشم تنگ نظر و متعصب و ذهن متوحش و هرزه آنان؛ ***** دست در دست هم دهیم به مهر میهن خویش را کنیم آباد یار و غمخوار یکدگر باشیم تا بمانیم خرم و آزاد شعری ساده و کودکانه، که شاید باید پیش تر بخوانیمش. یک سال پیش در چنین روزی وارد کلاس درس که

شدم بوی گل به استقبال آمد. نوگلان کوچکم را دیدم که هر یک شاخه گلی در دست داشتند و لبخندی به لب. در یک لحظه عالمی را سیر کردم، آینده این ۳۲ غنچه ی زیبا را دیدم که هر کدام برای خودشان دختر خانمی شده اند و شاهی یا مادری یا مدیری. در همه وجودم لبخند شکفت و شادی غنچه کرد. این دومین سالی بود که روز معلم را به عنوان یک معلم تجربه می کردم، و امسال سومین سال است؛ امسال اما کلاس خالیست، از لبخند و غنچه و شکوفه خبری نیست. از خوابی شیرین برخاسته ام انگار، گلستان ایرانم را می بینم که از سیاهی، به لجنزاری مانند است، ابرهای تباهی را می بینم که جلوی نور مهرآمیز خورشید ایرانم را گرفته اند و به شهود و ادراک و آزادی اجازه عرض اندام نمی دهند؛ آری این دیار سخت به آموزگاران نیازمند است، چرا که در نور معرفت است که لجنزار رنگ می بازد و بهار شکوفه می کند. بهار مقامی ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۹

۲- مهشید

دختری جوان پس از ربوده شدن از سوی سه «مامور»، توسط این افراد در شمال شرق تهران مورد تجاوز قرار می گیرد.

بنا به گزارش ایسنا، دقیقی پس از بامداد جمعه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۹، دختری ۲۰ ساله به نام «مهشید» با مراجعه به پایگاه یکم پلیس آگاهی پایتخت از سه مامورنما که وی را مورد تجاوز قرار داده بودند اعلام شکایت کرد.

این دختر، گفت: «حدود ساعت پنج بعد از ظهر پنجشنبه از محل کار خود خارج شدم تا به خانه بروم. در حاشیه بزرگراه امام علی منتظر تاکسی بودم که یک ریوی سفید رنگ با سه سرنشین جلوی پایم ترمز زد. همه آن ها بی سیم داشتند و سرنشین جلو خود را مامور بسیج معرفی کرد. بعد با این بهانه که حجام نامناسب است گفتند باید با آن ها به پایگاه بسیج بروم تا با اخذ تعهد، آزادم کنند. من که ترسیده بودم مشکلی برایم ایجاد شود، سوار خودرو شدم. بعد از طی مسیری، از بزرگراه منحرف شدند و من را به جایی در حوالی لشگرک بردند. حدود هشت ساعت در یک خانه من را مورد تجاوز قرار دادند. سپس با اتومبیل خود به جایی در حوالی همان منطقه انتقال دادند و رهایم کردند.»

با طرح این شکایت، پرونده جهت انجام تحقیقات به اداره یازدهم آگاهی ارجاع شد و قاضی صفر خاکی دادیار شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران نیز دستورات قضایی لازم را در این زمینه صادر کرد.

هیچ کس شکی ندارد که این بررسی ها نتیجه دهد. مگر بررسی قتل ها موسوم به قتل های زنجیره ای که در آن مختاری، پیونده، مجید شریف، فروهر و ده ها تن دیگر توسط مامورین وزارت اطلاعات حکومت اسلامی به فجیع ترین شکلی به قتل رسیدند نتیجه ای داد. تازه آن موقع قدر قدرتی هشت سال ریاست جمهوری محمد خاتمی و اصلاح طلبان بود و همین امروز هم خاتمی حاضر نیست لب باز کند و درباره جنایات وزارت اطلاعات شان سخن بگوید. چون که پای خود را نیز به عنوان رئیس جمهور وقت می گیرد. اما در عوض ناصر زرافشان وکیل خانواده های قتل های زنجیره ای را پنج سال در زندان نگاه داشتند تا زهر چشم از همه بگیرند که اگر در مورد قتل و جنایت و تجاوز و دزدی و غارت حکومتیان جمله ای بگویند کم ترین مجازات شان سال ها زندان و شکنجه و محرومیت از هرگونه حق و حقوق شهروندی خویش است. بنابراین، همه جناح ها و عوامل حکومت اسلامی، حتا آن هایی هم که خودشان احیانا مستقیما در قتل و تجاوز و جنایت و غارت نقشی نداشته اند اما به لحاظ موقعیت سیاسی و پست و مقام و موقعیت در حکومت جهل و جنایت، شریک جرم محسوب می شوند.

تصوب طرح دو فوریتی امر به معروف و نهی از منکر در مجلس ارتجاع

خبرگزاری فارس، روز یکشنبه ۲ خرداد ۱۳۸۹، خبر داد نمایندگان مجلس با فوریت بررسی شدن طرح امر به معروف و نهی از منکر موافقت کردند.

نمایندگان ملت در جلسه علنی امروز یکشنبه یک فوریت طرح امر به معروف و نهی از منکر را بررسی و تصویب کردند.

یک فوریت این طرح با ۱۷۲ رای موافق، ۱۲ رای مخالف و ۲۶ رای ممتنع به تصویب مجلس رسید.

این طرح مشتمل بر ۲ فصل کلیات، تعاریف و کلیات، حوزه های امر به معروف و تشکیلات و ۲۸ ماده است. در صورت تصویب نهایی این طرح، امر به معروف و نهی از منکر در این قانون ناظر به اعمالی است که در جامعه علنی بوده و یا بروز احتمالی داشته باشد و یا بدون ضرورت تجسس ثابت شود که مضر به منافع عمومی و امنیت ملی است.

هم چنین در صورت تصویب نهایی این طرح امر به معروف و نهی از منکر در مرحله تذکر لسانی، کتبی و ارائه شکایت و گزارش به مراجع ذی ربط وظیفه همگانی است و در مرحله بعدی به حکومت اختصاص دارد.

طراحان این طرح که به امضای ۱۰۳ نفر از نمایندگان رسیده است با سرهم بندی یک مشت خرافات ارتجاعی اسلامی، ادعا کردند از آن جا که جهت کمال و تعالی انسان ها در رشد و بالندگی و افزایش کارآمدی نظام ضرورت انجام فرضیه الهی امر به معروف و نهی از منکر غیرقابل انکار بوده و از طرفی اصل مترقی ۸ قانون اساسی در این زمینه، فرایض، حدود و کیفیت آنرا منوط به تصویب قانون کرده است طرح مذکور تقدیم مجلس می شود.

براساس این طرح، دستگاه جدیدی با نام «شورای سیاست گذاری امر به معروف و نهی از منکر» تشکیل می شود که سازمان دهی امور مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، نظارت بر کلیه فعالیت های دولتی، غیردولتی و هماهنگی بین دستگاه ها را بر عهده دارد.

رئیس این شورا، از سوی رهبر حکومت اسلامی منصوب می شود و تنها با ارائه گزارش به آیت الله خامنه ای پاسخ گو خواهد بود.

شش عضو دیگر این شورا نیز به ترتیب «یکی از معاونین رییس جمهور به انتخاب رییس جمهور، یکی از معاونین قوه قضائیه به انتخاب رییس قوه قضائیه، یکی از نمایندگان به انتخاب مجلس شورای اسلامی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رییس سازمان صدا و سیما و یکی از اعضای شورای عالی حوزه علمیه» خواهند بود. از ۷ عضو این شورا، ۴ نفر به طور مستقیم از سوی رهبر حکومت اسلامی یا از سوی منصوبان وی از جمله روسای قوه قضائیه، صدا و سیما و شورای عالی حوزه علمیه منصوب می شوند.

ماموریت این شورا، «تصویب سیاست ها در زمینه اجرای امر به معروف و نهی از منکر در کشور، تعیین اولویت های مظاهر و مصادیق معروف و منکر، نظارت بر اجرای سیاست های مصوب، ایجاد هماهنگی برای انجام تبلیغ و اطلاع رسانی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر و ارائه گزارش سالانه به مقام رهبری» عنوان شده است. براساس طرح جدید، هم چنین ستاد فعلی امر به معروف و نهی از منکر به سازمان گسترده تری تبدیل خواهد شد که زیر نظر شورایی مرکب از نمایندگان بالاترین مقام هر دستگاه اجرایی فعالیت خواهد کرد.

در طرح مصوب مجلس، علاوه بر تعارفاتی چون «هیچ شخص یا گروهی حق ندارد به بهانه امر به معروف و نهی از منکر به اعمال مجرمانه از قبیل توهین، افترا، تهدید، جرح، ضرب و قتل مبادرت کند» اما هم زمان تاکید شده است که: «هیچ شخصی حق ندارد مانع اجراء فریضه امر به معروف و نهی از منکر گردد» و چنان چه کسی «مانع انجام امر به معروف و نهی از منکر شود بنا به مورد برای بار اول به پرداخت جریمه از یک میلیون ریال تا پنج میلیون ریال و بار دوم پنج میلیون ریال تا بیست میلیون ریال و بار سوم به زندان یا تبعید از محل سکونت به تشخیص دادگاه محکوم می شود.»

تصویب یک فوریت طرح امر به معروف و نهی از منکر پس از آن، صورت گرفت که در اواسط اردیبهشت ماه سال جاری، «ناصر مکارم شیرازی» از مراجع تقلید نزدیک به حکومت، خواستار تشکیل «سازمان» یا «وزارت امر به معروف و نهی از منکر» شد. او، با اشاره به آن چه «رواج مفاسد اخلاقی» خوانده، گفته بود: «مسائل اخلاقی در حال حاضر متأسفانه متولی ندارد، دستگاه قضائی می گوید اگر جرمی واقع شد ما جلوگیری می کنیم، نیروی انتظامی هم گاهی وقت خود را صرف این کارها می کند ولی وظیفه اصلی شان این نیست.»

مکارم شیرازی، اقدامات وزارت ارشاد اسلامی را هم محدود به «نشریات، کتاب، سینما، فیلم، رسانه ها، روزنامه و نمایشگاه کتاب» عنوان کرده و گفته: «برنامه آن ها مبارزه با این گونه مفاسد نیست.» او، هم چنین تاکید کرده بود که: «چرا وزارت امر به معروف و نهی از منکر تشکیل نمی شود تا برنامه های اخلاقی متولی پیدا کرده و سر و سامان یابد.»

مکارم شیرازی، گفته بود که «اگر اسم این تشکیلات را وزارت امر به معروف و نهی از منکر گذاشتیم که خیلی بهتر است وگرنه باید سازمانی که زیر نظر هر سه قوه اداره شود تشکیل و برای آن بودجه و برنامه ریزی لازم در نظر گرفته شود.»

سه روز بعد از این اظهارات آیت الله مکارم شیرازی، حامیان دولت در مجلس هشتم نامه ای را منتشر کردند که در آن «ضمن تاکید بر ضرورت تامین امنیت اجتماعی و اخلاقی و مبارزه با مفاسد اجتماعی»، از دولت خواستند «لایحه امر به معروف و نهی از منکر را هر چه سریع تر به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.»

آن ها در این نامه، بر «ضرورت تامین امنیت اجتماعی و اخلاقی و مبارزه با مفاسد اجتماعی از جمله مظاهر مخالف عفاف و حجاب» از سوی نیروی انتظامی و وزارت کشور تاکید کردند و «خواست مورد تاکید رهبر جمهوری اسلامی» معرفی نمودند.

در هفته های اخیر غیر از تصویب فوریت طرح امر به معروف و نهی از منکر در مجلس برخی از مقام های دولتی و از جمله معاون اجتماعی وزیر کشور و برخی از استانداران در جلسات استانی خواستار تشکیل وزارت امر به معروف یا سازمان مشابهی زیر نظر دولت شده اند.

علیرضا افشار، فرمانده سابق بسیج و معاون فعلی بسیج هم گفته که باید از محل بودجه ۱۵۰۰ میلیارد تومانی فرهنگی که در اختیار محمود احمدی نژاد است برای گسترش طرح هایی چون امر به معروف و گسترش حجاب در استان های کشور استفاده شود.

در این میان محمد تقی رهبر، از حامیان دولت احمدی نژاد در مجلس، روز ۳۰ اردیبهشت گفته بود که طرح امر به معروف و نهی از منکر همان طرح تشکیل وزارت امر به معروف و نهی از منکر است. او، به شبکه خبری بسیج دانش جویی یادآوری کرد که: «از مدت ها قبل تاسیس وزارتخانه ای به نام امر به معروف و نهی از منکر مطرح بود، اما متأسفانه توجه کافی به این طرح نشد، اما فرار بر آن است که نمایندگان مجلس این مساله را مورد توجه قرار دهند تا امر به معروف و نهی از منکر که به اصل فراموش شده ای تبدیل شده، مجدداً زنده شود.»

تشدید سرکوب سیستماتیک زنان

طرح های گسترش حجاب، در پنج سال اخیر ریاست پاسدار جمهوری محمود احمدی نژاد، همواره یکی از موضوعات مورد بحث در ارگان های حکومتی، همراه با خشونت پلیس علیه جوانان به ویژه زنان و دختران در خیابان ها بوده است.

اکنون نیز طرح گسترش حجاب و مبارزه با بدحجابی در کشور که از شروع سال جدید و نزدیک شدن به فصل تابستان، شدت یافته است، به طور جدی از سوی مسئولان و مقامات و ارگان های سرکوب حکومتی تحت عنوان «امنیت اجتماعی» پیگیری می شود.

هر کدام از مسئولان و امام جمعه و فرماندهان نیروی انتظامی و غیره برای این اقدام غیرانسانی خود داستان هایی سرهم بندی می کنند. یکی زن «بدحجاب» را «پیاده نظام دشمن»، عامل «صهیونیسم»، دیگری عامل انقلاب مخملی و جنگ نرم دشمن و غیره می نامند.

سرکوب سیستماتیک زنان، که عمدتاً هدف سرکوب کل جامعه را مدنظر دارد به عناوین و طرح های مختلف از حجاب اجباری اسلامی گرفته تا طرح عفاف، توسط دولت به صحنه سیاسی و اجتماعی جامعه آورده می شود.

از جمله این طرح، جداسازی جنسیتی است. اولین محیط‌هایی که حجاب اجباری و جدا سازی جنسیتی در آن‌ها آغاز شد ادارات و اماکن دولتی بودند.

ماموین انتظامی - امنیتی، لباس شخصی‌ها، امام جمعه‌ها و غیره به شکل چندش آوری به دختران و زنان اهانت می‌کنند. اخیرا کاظم صدیقی، امام جمعه موقت تهران بدحجابی زنان را یکی از عوامل افزایش زلزله خوانده است.

چندی پیش کاظم صدیقی، امام جمعه موقت تهران در خطبه‌های نماز جمعه «بدحجابی»، زنان ایران را «تکرار این گناه صغیره به گناه کبیره زنا» خوانده بود.

او در همین اظهارات و در حمایت از سخنان محمود احمدی نژاد که پیش از آن درباره لزوم خروج ۵ میلیون نفر از تهران به دلیل احتمال وقوع زلزله هشدار داده بود اعلام داشت که بی حجابی و زنا خطر وقوع زلزله را افزایش می‌دهد.

این اظهارات واکنش‌های زیادی را در محافل سیاسی و اجتماعی و مطبوعاتی ایران و حتا در بسیاری از کشورهای دنیا به دنبال داشت.

روز چهارشنبه ۸ اردیبهشت گروهی از دانشگاهیان ایرانی در سراسر جهان، با انتشار نامه سرگشاده‌ای خطاب به بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل متحد، سخنان صدیقی را «جهالت و تعصب دینی» توصیف و نسبت به افزایش این قبیل «خرافات» ابراز تأسف کردند.

در پایان این نامه، امضاء کنندگان از اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد خواستند که با عضویت ایران در کمیسیون مقام زن در این سازمان مخالفت کند، یا چنان‌چه به دلایل سهمیه بندی منطقه‌ای مجبور به پذیرش ایران هستند، این کشور را به پایبندی به «پیمان‌های بین‌المللی حقوق برابر» ملزم کنند.

اما این اعتراضات موثر واقع نشد و حکومت اسلامی از سوی نمایندگان دولت‌های بورژوازی به کمیسیون «مقام زن شورای امنیت اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل» پذیرفته شد.

آیت‌الله خاتمی، یکی دیگر از امام جمعه‌های موقت تهران، در خطبه‌های نماز جمعه تهران، گفت: ... این جریان سعی می‌کند با ابتدال در حوزه فیلم، هنر، تئاتر، ورزش، مجلات خود را نشان بدهد. یکی از این حوزه‌ها، فساد و بدحجابی است و در برخی جاها اخیرا برخی کشف حجاب را تجربه می‌کنند. او، خطاب به خانم‌هایی که حجاب را رعایت نمی‌کنند، تاکید کرد: بدحجابی امنیت اخلاقی، روانی و اجتماعی را به هم می‌زند و دودش به چشم خود شما هم می‌رود. امام جمعه موقت تهران، افزود: به خلاف تصور برخی‌ها حجاب مساله شخصی نیست و کاملا مساله اجتماعی است و منکر حجاب سازنده ده‌ها گناه کبیره است. خاتمی، با اشاره به معطل ماندن قانون عفاف و حجاب، افزود: البته اجرای قانون بدون فرهنگ سازی ممکن نیست و هر کاری که انجام می‌شود باید در حوزه و محدوده قانون باشد و کار بدون قانون هرج و مرج و خودش منکر است. او، با بیان این که قانون عفاف و حجاب ابتدا به وزارت ارشاد ارجاع شده و اخیرا گویا به وزارت کشور محول شده است، عنوان داشت: کف خواست مردم اجرای قانون عفاف و حجاب است و مردم جانشان به لب رسیده از این بدحجابی‌ها و مسئولان بدانند مردم متدین تغلل در اجرای این قانون را نمی‌پذیرند.

دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی مخالفان دولت محمود احمدی نژاد را طیفی «ضدانقلاب» نامید و با انتقاد از پوشش آزاد زنان، بدحجابی را پدیده‌ای «نامیمون» خواند...

محمد نبی حبیبی، گفت بدحجابی «یکی از مظاهر جنگ نرم علیه اخلاق جامعه» نمایندگی می‌کنند... حبیبی، دبیرکل حزب مؤتلفه، در ادامه گفته‌های خود در انتقاد از آزادی پوشش، آن را «این پدیده نامیمون» توصیف کرد که «بهداشت روانی» و اخلاقی جامعه را تهدید می‌کند. به گفته حبیبی باید با بدحجابی ولو این که به صورت «نادر» هم باشد برخورد کرد.

مدیرکل آموزش فرهنگی دانشگاه آزاد از ابلاغ بخشنامه حجاب به واحدهای این دانشگاه خبر داد و گفت: بخشنامه حجاب دانشگاه آزاد با سیاست گذاری مناسب و توجه به تمامی جوانب امر کاملا منطبق بر مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

علیرضا صالحی، در گفتگو با خبرنگاری حکومتی مهر، با اشاره به تفکیک جنسیتی در کلاس‌های برخی واحدهای دانشگاه آزاد گفت: به دلیل تمایل دانش‌جویان برای حضور در کلاس‌های تک جنسیتی هیچ مشکلی ایجاد نشد و حتا با نظرسنجی صورت گرفته مشخص شد که این دانش‌جویان از لحاظ تحصیلی در وضعیت بسیار مطلوبی قرار دارند.

مدیرکل آموزش فرهنگی دانشگاه آزاد، ادامه داد: به طور کلی محدودیت‌هایی برای اجرای تفکیک جنسیتی کلاس‌ها در دانشگاه‌ها وجود دارد که یکی از آن‌ها محدودیت آموزشی است چرا که در برخی رشته‌ها تعداد پذیرفته شدگان دختر و پسر کم بوده و کلاس‌ها باید به طور مشترک برگزار شود. وی گفت: باید در زمینه حجاب فرهنگ سازی به درستی شکل گیرد تا دانش‌جویان با تمایل در کلاس‌های تفکیک شده حضور یابند چرا که این مسئله با اجبار نتیجه بخش نخواهد بود.

صالحی با بیان این که دانشگاه آزاد در زمینه عفاف و حجاب نیز به برگزاری همایش‌ها، کارگاه‌های آموزشی، نمایشنامه‌ها و اقدامات علمی، فرهنگی، آموزشی و پژوهشی پرداخته است در مورد تاثیرگذار بودن این اقدامات اضافه کرد: دانشگاه به تنهایی نمی‌تواند متولی بحث حجاب در جامعه باشد. نهادهای دانشگاهی تنها بخشی از مسائل فرهنگی را عهده دار بوده‌اند در حالی که این مهم در درون خانواده‌ها و جامعه پیش از ورود دانش‌جو به دانشگاه شکل گرفته و تاثیرگذاری دانشگاه را سخت‌تر کرده است.

مدیر کل آموزش فرهنگی دانشگاه آزاد با تاکید بر نقش آموزش و پرورش در نهادینه کردن فرهنگ عفاف و حجاب به مهر گفت: برخی معتقدند دانشگاه‌ها در این زمینه کم‌کاری داشته‌اند. اما این مساله صحت ندارد چرا که دانشگاه‌ها از لحاظ عمل به آیین نامه و کنترل‌های فیزیکی وظیفه خود را به انجام می‌رسانند.

او، چنین اقرار می کند که دختران دانش جو اهمیتی به رعایت حجاب نمی دهند؛ این که هم چنان بحث حجاب به طور کامل در دانشگاه ها قابل قبول نبوده به این علت است که دانشگاه به تنهایی مسبب آن نیست و در این مساله نقش سایر محیط های اجتماعی دیده نشده است.

بنا به گزارش ایلنا، مدیرکل دفتر امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور، گفت: آموزه های ما نباید به صورت مفاهیم انتزاعی باشد به این دلیل که کودکان تصویر از عفاف ندارند، بلکه باید در غالب بازی و شعرهای کودکانه باشد.

مدیرکل دفتر امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی حکومت اسلامی، در گفتگو با خبرنگار ایلنا، درباره آغاز طرح عفاف و حجاب در مهدکودک ها با اشاره به این که ۸۰ درصد رشد کیفی مغز و ۷۰ درصد شخصیت انسان در دوران خردسالی شکل می گیرد، گفت: طبیعی است که هر چقدر بتوانیم، آموزه های غیرمستقیم دینی به کودکانمان بدهیم، اثرات یادگیری آن در بلندمدت بیش تر است.

محمدحسین جواد، در این باره تاکید کرد: آموزه های ما نباید به صورت مفاهیم انتزاعی باشد به این دلیل که کودکان تصویر از عفاف ندارند، بلکه باید در غالب بازی و شعرهای کودکانه باشد. او، درباره بخش دیگری از این طرح گفت: ۵۵ هزار نفر از مربیان و مدیران مهدکودک در برنامه های آموزشی فرهنگ حجاب و پوشش شرکت داده شده اند.

او، هم چنین در پایان با اقرار بر این که «تنها ۲۰ درصد از کودکان ما از خدمات مهدکودک ها استفاده می کنند»، گفت: در نتیجه ما تنها می توانیم این خدمات و برنامه ریزی ها را برای طیف محدودی از جامعه ارایه دهیم ولی ما حجاب را تنها برای یک طیف نمی خواهیم بلکه می خواهیم در سطح کشور گسترش یابد پس نباید از ۸۰ درصد دیگر قافل شویم.

مصطفی محمد نجار، در مصاحبه با خبرنگاران در یاسوج، گفت: راهکارهای اجرای این قانون شورای انقلاب فرهنگی به دستگاه های اجرایی ابلاغ شده است. وزیر کشور حکومت اسلامی، اضافه کرد: نیروی انتظامی با گروه هایی که به صورت سازمان یافته اشاعه فساد می کنند به طور جدی برخورد خواهد کرد.

ایلنا، ۱۷-۲-۱۳۸۹ درباره احیاء و اجرای طرح امنیت اخلاقی که توسط نیروی انتظامی به شکل موثری در حال انجام بوده، نوشت: نمازگزاران نماز جمعه امروز پس از اقامه نماز در اعتراض به آنچه که آن را بی حجابی و رواج روابط لجام گسیخته می خوانند به خیابان ها آمدند و با سر دادن شعارهایی ضمن محکوم کردن بدحجابی خواستار برخورد قوه قضائیه و اقدام عاجل مسئولان اجرایی و انتظامی شدند.

تظاهرکنندگان پلاکاردهایی حمل می کردند که بر روی آن نوشته شده بود: ای حافظ امنیت اخلاقی به پا خیز حمایت می کنیم، شعار مسئولین انقلابی قیام علیه بدحجابی، شبیه خون فرهنگی خنثی باید گردد، فساد و بدحجابی اصلاح باید گردد. هم چنین تظاهرات کنندگان شعارهای الله اکبر، ماشاءالله حزب الله، حزب الله بیداره از بی حجاب بی زاره، منافق بدحجاب عامل استکبار، فرموده رهبری اجرا باید گردد تذکر لسانی احیاء باید گردد، فساد بی حجابی خواسته استکبار است فحشا و بی عفتی حربه استکبار است، نقشه بی حجابی توطئه انگلیس، مرگ بر بی حجاب، بی حجاب ننگ باد، نیروی انتظامی اقدام انقلابی، نیروی انتظامی تو مجری قانونی، مانکن بی حجابی لکه ننگ مایی، منافق بدحجاب عامل استکبار است، حفظ حجاب و عفت از آیات قرآن است فساد و بی حجابی وسوسه شیطان است را فریاد می زدند. این تظاهرات کنندگان در شعارهای دیگری از دولت خواستار پاسخ انقلابی به رواج بدحجابی شدند و هم چنین صدا و سیما را موظف به تبلیغ عفاف و معروف دانستند.

در بخشی از بیانیه که چماقداران حزب الله با اشاره به نقش جدی قوه قضائیه در کندی و سستی یا جدیت در امر مبارزه با فساد تاکید شده، آمده است: حمایت از نیروی انتظامی در برخورد با مظاهر بدحجابی، فساد اخلاقی، برخورد با مراکز قدرتی که پنهان یا آشکار از مفسدان و متظاهران به بدحجابی و بی بند و باری حمایت می کنند برخورد با عوامل پشت صحنه داخلی و خارجی مروجان فساد، فحشاء و بی بند و باری و نهایتا حمایت از ضابطان این حوزه و عوامل امر به معروف و نهی از منکر مورد تقاضا از رییس قوه قضائیه است. در این بیانیه هم چنین خطاب به مجلس شورای اسلامی آمده بود که با تحقیق و تفحص دلایل عدم اجرای قانون گسترش فرهنگ عفاف و حجاب را در دستور کار قرار داده و سنگ اندازان و مخالفین آن به مردم معرفی کند. در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: احیاء و اجرای طرح امنیت اخلاقی که توسط نیروی انتظامی به شکل موثری در حال انجام بوده و آثار مثبت آن به خوبی مشهود بود و با توطئه های دست های نفاق پوشیده در لافه دل سوزی و اصول گرایي برخی مسئولین اجرایی خودباخته متوقف شد و مورد توجه و تاکید مقام معظم رهبری نیز هست فاطعانه مورد تقاضای امت حزب الله و ولایت مدار ایرانی است.

خبرگزاری فارس، وابسته به وزارت اطلاعات نیز «فرهنگ عفاف و حجاب» را اخیرا منتشر کرده است: قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب ۱۳ دی ۱۳۸۴ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده اما با گذشت بیش از ۲ سال هنوز گام جدی برای اجرای آن برداشته نشده است. (در پایین ضمیمه است)

در ادامه طرح های سرکوبگرانه امنیتی و اخلاقی پلیس حکومت اسلامی، نه تنها در تهران، بلکه در استان ها نیز از سوی نیروهای انتظامی در جریان است.

بنا به گزارش ایسنا، امام جمعه مشهد گفت: «مساله اصلی مبارزه با پدیده بدحجابی است که علاوه بر ناهنجاری و فساد، يك انحراف سیاسی است.»

روز جمعه ۲۴ اردیبهشت، بار دیگر از بلندگوهای نماز جمعه تهران و شهرستان ها، درباره آنچه رواج بدحجابی در جامعه نامیده می شود، هشدار داده شد.

حجت الاسلام کاظم صدیقی، امام جمعه موقت تهران، در خطبه دوم نماز جمعه این هفته با بیان این که «برهنگی، بی تمدنی و بازگشت به قهقراست»، بدحجابی را «امری وارداتی» نامید.

او، گفت: «بدحجابی امری وارداتی از سوی کسانی است که با ما سر سازش ندارند و دشمنان قسم خورده ما هستند» و تاکید کرد که مقابله با «بدحجابی» در حقیقت مقابله با «جنگ نرمی» است که «دشمن» بر ایران تحمیل کرده است.

بنا به گزارش رسانه های ایران، پس از پایان نماز جمعه، «نمازگزاران تهرانی که در مقابل دانشگاه تهران تجمع کرده بودند، شعار «مرگ بر بدحجاب» و «مرگ بر بی حجاب» سردادند. پیش از این نیز، اظهارات صدیقی درباره ارتباط نوع پوشش زنان و وقوع زلزله با زتاب گسترده بین المللی یافته بود.

با این همه صحبت از «جنگ نرم علیه ایران» از طریق آن چه که «بدحجابی» خوانده می شود به خطبه های امام جمعه موقت تهران محدود نبوده و یک سیاست سراسری حکومت اسلامی است.

به گزارش ایسنا، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دو روز پیش از نماز جمعه این هفته، در دانشگاه امام صادق، ادعا کرد که «بعضی سازمان دهی شده بی حجابی را ترویج می کنند».

سایت «رجانیوز» نیز که به دولت احمدی نژاد نزدیک است، نوشته است: «مساله صرفا رعایت حجاب به عنوان یک حکم اسلامی نیست. این مساله یک سیرتی هم دارد که مربوط می شود به جنگ نرم دشمن و به تعبیر رهبری شیخون او در حوزه فرهنگ.»

علم الهدی، امام جمعه مشهد، گفته است: این را باید بدانید که حجاب شما حفظ کننده رنگ فاطمی در جامعه است و شما دختران و خواهران! اگر از حجاب خسته شده اید و خدای نکرده رنگارنگی های جامعه غربی در دلتان وجود دارد؛ بدان! عقب رفتن روسری تو و بیرون گذاشتن موی سر تو در حقیقت مقابله با شخص فاطمه زهرا است. پاک کردن رنگ فاطمه زهرا از جامعه است.

به گزارش برنا، حجت الاسلام علم الهدی، «در جمع مردم عزادار فاطمی در میدان هفت تیر در پاسخ به این سؤال که چرا دشمن سعی در توسعه بی حجابی در جامعه ما دارد»، گفت: قبول داریم که حجاب و عفاف یک امر فرهنگی است، اما بی حجابی ناهنجاری است. بی حجابی تهاجم دشمن است. بی حجابی توطئه نابکارانه عناصر ضدولایت و ضدنظام است. چرا می خواهند بی حجابی را در جامعه توسعه بدهند؟ چون هر چقدر این چادرهای مشکی شما خواهران و حجاب شما بانوان بر در و دیوار این کشور ظاهر باشد، رنگ زهرا قوی تر است و رنگ فاطمه نیرو مند تر است. اگر بنا شد این رنگ زدوده شود و رواج بی حجابی در جامعه ما توسعه یابد، رنگ زهرا از جامعه ما پاک می شود. اگر رنگ زهرا از جامعه ما پاک شود آنجا دشمن دستش می رسد که انقلاب را به پرتگاه سقوط نزدیک کند.

امام جمعه مشهد، در پایان گفت: مسئولان ما در این کشور باید توجه کنند مساله بی حجابی مبارزه با یک فرهنگ نیست. دخالت در امور خصوصی مردم نیست. مقابله با یک دشمنی به انقلاب است. هر جریان مدیریتی و هر دستگاه اجرایی و هر محور اقتدار برای این ملت، وظیفه دارد با آفت انقلاب و این جریانی که می خواهد رنگ انقلاب را کمرنگ کند و رنگ زهرا را کمرنگ کند مبارزه و برخورد کند.

حجت الاسلام سیداحمد علم الهدی، هم چنین در جلسه ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر خراسان رضوی، گفت: «عفاف و حجاب يك مساله فرهنگی است و دستگاه های فرهنگی متولی اجرای آن هستند که نسبت به ترویج آن فعالیت می کنند». او، از عرضه بی رویه محصولات به اصطلاح فرهنگی در سطح شهر انتقاد کرد و از مسئولان مربوط خواست که نسبت به نظارت، مدیریت و کنترل عرضه آن اقدام کنند.

سردار حمید فهمی راد، فرمانده انتظامی خراسان رضوی نیز در این جلسه گزارشی از عملکرد این نیرو ارایه داد و گفت: «در راستای مبارزه با پدیده بدحجابی در سال گذشته ۴۷۸ زن خیابانی، ۳۰۶ لانه فساد، ۴۵۶ پارتی و دو هزار لیتر مشروبات الکلی در استان کشف و ضبط شده است». او، افزود: «در سال گذشته بیش از ۳۱ هزار تذکر لسانی صورت گرفت و هفت هزار گشت ارشاد نیز برای مبارزه با بدحجابی اعزام شد.»

بنا به گزارش خبرگزاری حکومتی فارس، دادستان عمومی و انقلاب مشهد گفت: بانوان بدحجاب تا سقف يك میلیون و ۳۰۰ هزار تومان جریمه می شوند.

محمود ذوقی، بعداز ظهر روز دوم خرداد ۱۳۸۹ برابر با بیست و سوم مه ۲۰۱۰، در نشست خبری خود، گفت: «بدحجابی به موجب قانون جرم است و مقابله با آن ظرافت خاصی را می طلبد.»

دادستان مشهد با بیان این که برخی اماکن عمومی نیز وجود دارند که وضعیت شان در این ارتباط به هم ریخته است، اظهار داشت: در برخی داروخانه ها به چشم می خورد که در قسمت فروش لوازم آرایش بانوانی هستند که حجاب مناسبی نداشته و گویا با آرایش نابه جا به نوعی تبلیغات آن لوازم را می کنند که به دلیل رعایت حرمت جامعه داروخانه داران به نظام پزشکی اطلاع داده شد و قرار شد که نماینده صنف داروخانه داران، این مستندات را ببینند و به آن افراد تذکر دهند تا اگر رعایت نکردند ضابطین آن ها را دستگیر کنند.

او، ادامه داد: دو هفته از این ماجرا می گذرد اما هنوز نمایندگان صنف نیامده اند و بنا داریم ضابطین و اداره اماکن مراجعه کرده و با افرادی خاطی برخورد قانونی شود؛ این صرف داروخانه ها نبوده و تمام آژانس های مسافرتی، بنگاه های املاک و ... را نیز که وضعیت حجاب زننده داشته باشند، شامل می شود.

او، گفت: شعبه ویژه ای در یکی از مجتمع های قضایی ما برای این منظور ایجاد شده که پرونده های بدحجابی به آن ارجاع داده می شود.

ذوقی، با اشاره به این که در گذشته مجازات بدحجابی ۵۰ هزار تومان جریمه نقدی و دو ماه حبس بوده که می توانستند با مبلغ کمی حبس را به جریمه نقدی مبدل کنند، گفت: از ابتدای امسال بر اساس تعرفه های ماده ۳ وصول برخی درآمدهای دولت این رقم به يك میلیون و ۳۰۰ هزار تومان افزایش یافت.

او، ادامه داد: طی دو هفته گذشته ما چندین مورد جریمه ۵۰۰ هزار تومانی و دو مورد جریمه يك میلیون تومانی را در زمینه بدحجابی شاهد بودیم.

دادستان مشهد یادآور شد: اگر آقای نیز برخلاف عفت عمومی رفتار کند او نیز مشمول این جریمه خواهد بود.

ذوقی، در ارتباط با توهین به ماموران حین انجام وظیفه نیز گفت: در صورت توهین افراد بدحجاب و ... به مامور در حین انجام وظیفه، علاوه بر جریمه نقدی بر اساس قانون به شش ماه حبس نیز محکوم می شود. رییس گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور ساری، مدعی شده است که: «بر اساس بررسی های انجام شده، ۴۹ درصد طلاق ها به علت عدم رعایت مسائل عفاف و بدحجابی است.»

به گزارش خبرگزاری فارس از ساری، دوم خرداد ۱۳۸۹، حسین نازک تبار پیش از ظهر امروز در جلسه کارگروه امور بانوان و خانواده استانداری مازندران در سخنانی با اشاره به این که نزدیک به نیمی از طلاق های کشور با دلیل بدحجابی صورت می گیرد، گفت: با وجود بدحجابی در جامعه، حریم روابط زن و مرد در اجتماع شکسته می شود و افکار انحرافی در جامعه گسترش می یابد و در نتیجه آمار طلاق و فحشا به فزونی می گراید.

روزنامه رسالت، در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۹، در رابطه با حجاب به نقل از حجت الاسلام شیخ حسین انصاریان، تاکید کرد: دین، حجاب را امری واجب و ضروری شمرده است و این امر مستقیماً به وسیله پروردگار مطرح شده از این رو قابل حذف و چشم پوشی نیست و منکر این وظیفه از دین اسلام خارج است. به گزارش خبرگزاری فارس از اهواز، همایش حجاب و عفاف و نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با حضور طلاب و استادان حوزه و دانشگاه، نماینده ولی فقیه در خوزستان و رییس و اعضای هیات رئیسه دانشگاه شهید چمران اهواز برگزار شد. در این همایش یک روزه که با همکاری اداره کل امور اجتماعی استانداری خوزستان در آملی تئاتر دانشکده علوم دانشگاه شهید چمران برگزار شد، حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسین انصاریان، در سخنانی به تفسیر آیاتی از قرآن مجید درباره حجاب پرداخت و گفت: آثار منفی تبحر و نمایاندن زیبایی های زن در جامعه بر مردان، جوانان و خانواده ها پوشیده نیست.

حراست وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برخورد با بدحجابی را به دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ابلاغ کرد که محتوای ابلاغیه ناظر بر اهمیت بحث رعایت حجاب و عفاف در دانشگاه ها و در راستای اجرایی شدن مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی است. به گزارش خبرگزاری حکومتی مهر، ۲۹ اردیبهشت ۸۹، طی روزهای اخیر برخی مسئولان فرهنگی و سیاسی خواستار جدیت حراست دانشگاه ها برای برخورد با بدحجابان در دانشگاه ها شدند.

حجت الاسلام داوود رنجبران، معاون فرهنگی نهاد نمایندگی خامنه ای در دانشگاه ها با بیان این که ممکن است تعداد بسیار محدودی در دانشگاه ها باشند که حتا تذکرات مستمر درباره حجاب را نیز نپذیرند در گفتگو با مهر خواستار شد: با این افراد باید از طریق ظرفیت های قانونی و ابزارهای سلبی مانند حراست و کمیته انضباطی برخورد شود و حراست و کمیته های انضباطی دانشگاه ها به عنوان مجموعه هایی که وظیفه دارند باید بدون مسامحه کار خود را انجام دهند.

تذکرات علی مطهری، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی به دانشگاه ها نمونه ای دیگر از اظهارنظر ارتجاعی مسئولان درباره برخورد با بدحجابی در دانشگاه ها است. مطهری، به خبرگزاری مهر گفت: دولت باید در مبادی ورودی دانشگاه ها از ورود دانش جوین بدحجاب جلوگیری کند. دولت باید ساز و کاری فراهم نماید تا در مبادی ورودی دانشگاه ها از ورود افراد بدحجاب اعم از دختر و پسر جلوگیری شود. جلیل دارا، مدیرکل امور فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغیه حراست وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای برخورد با بدحجابی به دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی را تأیید کرد و در این باره گفت: حراست وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغیه ای به حراست دانشگاه ها داده که محتوای آن ناظر بر اهمیت بحث رعایت حجاب و عفاف در دانشگاه ها و در راستای اجرایی شدن مصوبه چند سال گذشته شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

مدیرکل امور فرهنگی وزارت علوم درباره کیفیت این ابلاغیه به مهر گفت: ابلاغیه حراست وزارت علوم در راستای مبارزه با بدحجابی خیلی کلی است و تأکید شده که حجاب در دانشگاه ها جدی گرفته شود.

جلیل دارا، در پاسخ به این که آیا در ابلاغیه حراست وزارت علوم به شکل مشخص دستورالعملی برای برخورد با بدحجابی تعیین شده است یا خیر گفت: متن ابلاغیه را دیده ام. دستورالعمل مشخصی تعیین نشده بلکه به طور کلی گفته شده که در فضای دانشگاه ها در رابطه با برخورد با بدحجابی جدی گرفته شود.

معاون دانش جویی دانشگاه تربیت مدرس، در خصوص مبارزه با بدحجابی در این دانشگاه گفت: طرح مبارزه با بدحجابی در این دانشگاه اجرا می شود اما به دلیل رعایت حجاب و عفاف تنها تعداد معدودی از دانش جوین به کمیته انضباطی فراخوانده شده اند.

محمد حسین یادگاری، در گفتگو با خبرنگار مهر، با اشاره به تمهیدات ویژه دانشگاه تربیت مدرس در خصوص مبارزه با بدحجابی گفت: در صورت احراز مصادیق بدحجابی در این دانشگاه، بدحجابان به کمیته انضباطی ارجاع و با آن ها برخورد لازم خواهد شد.

این سخنان در حالی ابراز می شود که دولت محمود احمدی نژاد، اخیراً بار دیگر طرح های جدیدی را برای «ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» آغاز کرده است. در یکی از تصمیمات دولت، قرار است تمامی کارمندان زن شاغل در ادارات و سازمان های دولتی با «پوشش یکسان» بر سر کار حاضر شوند.

سرپرست شورای حل اختلافات خانواده در تهران، اواسط اردیبهشت ماه، گفت: «توقعات بی جای زنان» علت اصلی همه اختلافات خانوادگی است.

فریدون امیرآبادی، سرپرست شورای حل اختلافات خانواده در تهران، بر اساس این آمار از حق طلاق برای مردان دفاع کرد و گفت، اگر حق طلاق را به زنان دهیم همه مردها مجرد خواهند ماند و «هیچ مردی روز خوش نخواهد دید.»

او، اخیراً در برنامه بحث روز رادیو تهران، علت اصلی همه اختلافات خانوادگی را «توقعات نابه جای زن» خواند. او، هم چنین صدور حکم طلاق به خاطر اعتیاد مرد را رد کرده و آن را «یک اصل منسوخ شده» دانست. وی گفت: «بهتر است زنان با این مساله کنار بیایند.»

لازم به یادآوری است که قانون «شوراهای حل اختلاف» در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۷ در مجلس شورای اسلامی، برای مدت آزمایشی ۵ سال تصویب شد. طبق ماده ۱۲ این قانون، در کلیه اختلافات و دعاوی خانوادگی و سایر دعاوی مدنی دادگاه رسیدگی کننده می تواند با توجه به کیفیت دعوی یا اختلاف و امکان حل و فصل آن از طریق صلح و سازش فقط يك بار برای مدت حداکثر دو ماه موضوع را به شورای حل اختلاف ارجاع نماید. طبق ماده ۱۳، شورا مکلف است در اجرای ماده فوق برای حل و فصل دعوی یا اختلاف و ایجاد صلح و سازش تلاش کند و نتیجه را اعم از حصول یا عدم حصول سازش در مهلت تعیین شده به مرجع قضایی ارجاع کننده اعلام نماید.

مدیرکل امور زنان وزارت آموزش و پرورش با تشریح جزئیات اجرای طرح «شاداب سازی مدارس دخترانه»، گفت: «مدارس دختران باید از دید ساختمان های مشرف خارج شوند.»

ارائه حجاب و پوشش مطلوب برای محیط های درمانی و دانش جویی تا مهر ۸۹ معاون دانش جویی و فرهنگی وزیر بهداشت از تشکیل کارگروه عفاف و حجاب در این وزارتخانه با همکاری سه معاونت خبر داد و گفت: «پوشش مطلوب برای محیط های درمانی و دانشگاهی به زودی تعریف شده و در سال تحصیلی جدید به دانش جویان ارائه می شود.»

دکتر فرحناز ترکستانی، در گفتگو با خبرنگار مهر افزود: کارگروه عفاف و حجاب در وزارت بهداشت با همکاری سه معاونت درمان، آموزشی و دانش جویی - فرهنگی ایجاد شده است و پس از تصویب مصوبه های مربوطه به این حوزه، مسئولیت آن بر عهده معاونت آموزشی قرار می گیرد و تخلف در این بخش نیز در حوزه آموزشی تعریف خواهد شد.

ترکستانی اظهار داشت: پوشش سراسری برای محیط های درمانی و پوشش محیط های دانشگاهی در این کارگروه تعریف می شود و برای سال تحصیلی جدید برای حوزه آموزشی و درمانی ارائه می شود.

مدیرکل امور فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نیز با اشاره به مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص عفاف و حجاب در دانشگاه ها گفت: بر اساس دستورالعمل شورا در جایی که امکان برگزاری کلاس های مجزا وجود داشته باشد تفکیک کلاس ها صورت می گیرد.

جلیل دارا در گفتگو با خبرنگار مهر در پاسخ به این پرسش که طرح دانشگاه ها در خصوص عفاف و حجاب در راستای طرح عفاف و حجاب جامعه است، افزود: نظر وزیر علوم در بحث عفاف و حجاب این است که در این زمینه قانون وجود دارد و تنها مشکل در عدم اجرای آن است از این رو تدوین اساسنامه و دستورالعمل برای عفاف و حجاب در دانشگاه ها ضرورت ندارد و تنها باید دستورالعمل قبلی که مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی است اجرایی شود.

وی با تشریح راهکارهای اجرای دستورالعمل شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص عفاف و حجاب اظهار داشت: در بخش عفاف و حجاب باید فضاسازی مطلوبی در دانشگاه ها صورت گیرد و اهمیت آن متذکر شود. هم چنین باید برای دانش جویان تبیین کرد که منظور از پوشش اسلامی چیست.

ایلنا، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۹، «عضو کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر تهران»، گفت: باید در راستای طرح حجاب و عفاف با افراد لجوج و معاند در امر حجاب برخورد شدید شود.

پروین احمدی نژاد، در گفتگو با خبرنگار ایلنا با اعلام این که ظهور و بروز بدحجابی در جامعه به سه دسته تقسیم می شود تاکید کرد: گروهی با لجاجت و عناد ورزیدن و گروهی به طور ساماندهی شده موظف اند ضمن دریافت پول و با برنامه ریزی های از پیش تعیین شده، مسیرهایی را در طول روز در شهر طی کنند تا معضل بدحجابی را در جامعه نهادینه کنند. او، با اشاره به گروه سومی که از روی جهل بدحجاب هستند افزود: گاهی لباس مناسب برای برخی از افراد در بازار پیدا نمی شود و لباس های نامناسب قیمت کم تری دارند که زنان نیز مجبور می شوند که این لباس ها را تهیه کرده و از آن استفاده کنند.

او، با اشاره به لزوم انجام کار فرهنگی برای کسانی که تبعیت کورکورانه و از روی عادت دارند، ادامه داد: باید لباس هایی که در شان يك جامعه مذهبی است، با قیمت های ارزان و طرح های مناسب در بازار وجود داشته باشد که غیر از آن دسته لجوج، مابقی افراد که از روی غفلت از این گونه لباس ها استفاده می کنند، در مسیر اصلی قرار گیرند.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر تهران، حجاب را يك حق فردی و اجتماعی دانست و عنوان کرد: رعایت حجاب و عفاف از یکدیگر تفکیک ناپذیر نبوده و با رعایت این اصول، آرامش، امنیت، رشد و سازندگی در جامعه به وجود می آید.

او، طرح حجاب و عفاف را مربوط به مردان نیز دانست و ادامه داد: مرد و زن وقتی وارد اجتماع می شوند باید جنبه های انسانی، روحی و معنوی خود را به جامعه عرضه کنند، نه بعد جسمانی شان را، چرا که عرضه شدن جسم در جامعه، برای کشور خطرناک است.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر تهران، با اشاره به افرادی که از روی عنان، به دنبال حریم شکنی هستند ادامه داد: برای این گونه افراد ملاحظات فرهنگی بی اثر است و باید به شدت با آن ها برخورد شود.

احمدی نژاد، در پاسخ به این سؤال که آیا در جریان اجرای طرح حجاب و عفاف، جوانان جامعه از دین و ارزش های آن دلزده نمی شوند گفت: قرار نیست خشک و تر در جریان این طرح بسوزد بلکه با شناسایی متخلفین، این طرح دنبال می شود.

ایلنا، نوشت: روح الله حسینیان، از عناصر شناخته شده اطلاعاتی حکومت اسلامی و از طرفداران سفت و سخت سعید امامی در ماجرای قتل های موسوم به «قتل های زنجیره ای» بود، در نطق امروز خود گفت: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مساله حجاب یکی از موضوعات مهمی بوده است که هر چندگاهی طرح و سپس بی نتیجه مطلوب به دست فراموشی سپرده شده است.

رییس فراکسیون انقلاب اسلامی با بیان این که گاه به بهانه این که باید کار اساسی و فرهنگی صورت گیرد و گاه به بهانه همکاری نکردن یکی از قوا و گاه به بهانه این که قشری از جامعه نسبت به دولت بدبین خواهد شد کار را راکد گذاشتند، ادامه داد: همه این ها نشان آن است که مسئولان حکومتی به یک ضرورت و یک استراتژی و یک راهبرد نرسیدند. اگر ما اعتقاد داشته باشیم که انقلاب ما یک انقلاب فرهنگی است، هر کجا یکی از نمادهای فرهنگی به چالش کشیده می شود، باید از خود عکس العمل نشان دهیم. بیاید از گذر زمان و نقش حجاب و بی حجابی در تاریخ معاصر درس بگیریم.

او، با ادعای این که امروز حجاب در غرب به عنوان نماد تمدن اسلامی، فرهنگ غرب را به چالش کشیده است و به همین جهت دولتمردان غربی از حجاب زن مسلمان به وحشت افتاده اند، ادامه داد: بنابراین آیا نباید از این عبرت ها، پند پیاموریم و ما هم مانند گذشتگان احساس خطر کنیم؟ آیا نباید ملت و نظام ایران اسلامی پشتوانه این نماد چالش برانگیز در غرب باشد؟ اما چگونه و از کجا آغاز کنیم؟ حسینیان با اعتقاد بر این که علت اساسی بدحجابی در کشور ما، فرهنگی است، خاطر نشان کرد: گزارش وزارت اطلاعات از عبور روزانه چند زن بد حجاب در قم و تلاش رسانه های غربی و ترویج بدحجابی و به تمسخر کشیدن حجاب توسط رسانه های ماهواره ای و ضدانقلاب و بدتر شدن وضعیت حجاب بعد از فتنه سال ۸۸ ما را از عوامل سیاسی نباید غافل کند. اما اگر عامل اصلی بدحجابی را فرهنگی بدانیم، باید کار فرهنگی را اصل قرار دهیم. این عضو کمیسیون فرهنگی مجلس ارتجاع، ادامه داد: این مهم در اولین نگاه متوجه حوزه های علمیه، مراجع، روحانیون، طلاب، مجامع روحانی و وعاظ است. مدرسین حوزه باید بدانند با اخطار کار به نتیجه نمی رسد. باید در حوزه یک نهضت ایجاد شود. باید ده ها پژوهش و صدها کتاب و مقاله در رابطه با حجاب منتشر شود، باید راه های زیبا جلوه کردن حجاب برای دختران را طرح کرد. باید مساله حجاب یکی از مسائل مهم تبلیغات ماه رمضان و محرم و وجهه همت اعزام های طلاب باشد، باید صدها گروه طلبه را برای تبلیغ و توضیح حجاب راهی مدارس و دانشگاه ها کرد. اصلاً اگر مساله حجاب برای حوزه ها اهمیت دارد، باید یک تشکیلات و نهاد در حوزه تأسیس کرد. اگر مساله حجاب به عنوان نماد فرهنگ اسلامی برای نظام اسلامی مهم است، باید آموزش و پرورش بخشی از کتاب های درسی خود را برای تشریح حجاب و ضررهای اجتماعی بی حجابی و متلاشی شدن کانون خانواده در غرب به علت بی حجابی تخصیص داد. حسینیان با اعتقاد بر این که صدا و سیما نقش بزرگی در تعظیم حجاب و تمدید بی حجابی می تواند داشته باشد، تصریح کرد: ساخت ده ها فیلم در ارزش گذاری حجاب در دستور کار صدا و سیما باید قرار گیرد، باید ده ها میزگرد برای حجاب از سوی صدا و سیما ترتیب داده شود و باید نقش حجاب را در حفظ کانون خانواده و نقش اجتماعی و اخلاقی و روانی این موضوع باید مورد بحث قرار گیرد...

به گزارش خبرگزاری فارس ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۹ از گرگان، آیت الله سیدکاظم نورمفیدی در نشست ائمه جمعه شیعه و سنی استان پیرامون حجاب اظهار داشت: هیچ یک از معضلات اجتماعی، به اندازه بدحجابی جاذبه و کنشش ندارد. او، با اشاره به این که اعتیاد، قماربازی و می خوارگی از معضلات اجتماعی به شمار می آیند، افزود: اما هیچ یک از معضلات اجتماعی به اندازه بدحجابی جاذبه ندارد. امام جمعه گرگان، خاطر نشان کرد: بدحجابی از طرفی حربه استعمار است که باندهای صهیونیست و استعماری به دنبال عمومی کردن آن در جامعه ما هستند و این بهترین راه برای رسیدن به اهداف شان است که در نظر گرفته اند.

کسب درآمدهای کلان از فروش چادر و روسری و مانتو

برخی از سرمایه داران ایرانی چه خصوصی و چه دولتی سالانه میلیاردها دلار از مصرف چادر کسب سود می کنند. بنا به گفته مسئولان، نیاز بازار ایران به چادر مشکلی سالانه چیزی حدود ۳۰ میلیون متر مربع است که تا به امروز یک کارخانه نساجی نیز برای تولید یک صدم این میزان نیز تلاشی نکرده است. براساس گزارشات گران ترین و پرطرفدارترین چادر، توسط شرکت های الگانس و میتسویشی تولید می شوند. گران ترین نوع پارچه الگانس و میتسویشی حدود ۱۰۰ هزار تومان است و ارزان ترین هم حدود ۲۰ هزار تومان. البته چادرهایی با قواره ۲۵۰ هزار تومان نیز در بازار یافت می شود این در حالی است که قیمت تولیدی این پارچه در کشورهای تولیدکننده ۲ دلار است.

بی جهت نیست که معاون رییس جمهور فرهنگ حجاب در جامعه ایرانی را میراثی گران قدر با عقبه ای ملامال از اندیشه و دیانت برشمرد و افزود: «سازمان میراث فرهنگی بر حسب وظیفه ذاتی خود برای حفظ و صیانت از موارد گران قدر دینی و معنوی، طی آیینی شایسته و پربرار با حضور اندیشمندان و شخصیت های فرهنگی، حجاب اقوام ایرانی و هم چنین چادر را به عنوان حجاب کامل، ثبت ملی می کند تا به نوبه خود به شهیدان این مرز و بوم ادای احترام کرده و گامی برای پاسداشت مبارزات شکوهمند ملت ایران در صیانت از حجاب بردارد.»!

جمع بندی

چندی پیش، وزیر کشور از آماده شدن طرح «عفاف و حجاب» و ابلاغ راهکارهای اجرایی این قانون به دستگاه های اجرایی خبر داده بود.

مصطفی پور نجار، وزیر کشور، با قول دادن به مردم برای «بهره مند شدن از برکات اجرای این طرح»، از نیروی انتظامی خواست با بدحجابان و فاسدان برخورد کند. به دنبال اعلام این خبر از سوی وزیر کشور، رییس پلیس تهران نیز بر آمادگی این دستگاه برای اجرای قاطع این طرح برای مبارزه با بی حجابان سطح شهر تأکید کرد. طرح «عفاف و حجاب» که توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شده است، دنباله طرح غیرانسانی «مبارزه با اراذل و اوباش» است که سال گذشته و با خشونت زیادی از سوی ماموران پلیس اجرا شد. امسال نیز، از گفته های مریم مجتهد زاده، رییس مرکز امور زنان و خانواده در ریاست جمهوری چنین بر می آید که در اجرای این طرح از «زور» و «گشت های ارشاد» استفاده خواهد شد. به گفته او، جامعه ایران اسلامی است و

چنان چه کار فرهنگی در زمینه اشاعه حجاب و عفاف در این جامعه اسلامی جواب نگرفت، برای حفظ ارزش ها باید از ابزار دیگر یعنی زور استفاده کرد.

در اجرای طرح مبارزه با اراذل و اوباش در سال گذشته، خشونت ماموران نیروی انتظامی، به حدی شدید و چندان آور بود که حتی مورد انتقاد بسیاری از «خودی» هایشان نیز قرار گرفت تا جایی که نیروی انتظامی اعلام کرد که این طرح از سوی نهاد ریاست جمهوری معرفی شده و این دستگاه تنها اجرا کننده آن بوده است.

با توجه به این که آیت الله خامنه ای، رهبر حکومت اسلامی ایران بر اجرای این طرح تاکید کرده است، به نظر می رسد این طرح با شدت و دامنه گسترده ای اجرا شود. مسئولان اجرایی و حکومت اسلامی، حتی از اجرای آن در مکان هایی نظیر مهد کودک و مدرسه های ابتدایی سخن رانده اند.

وزیر کشور حکومت اسلامی، وضعیت مهد کودک ها را ناهنجار خوانده و اظهار امیدواری کرده است که با آموزش مربیان و بازی های مناسب به کودکان، فرهنگ اسلامی در مهد کودک ها اجرا شود.

ایجاد مشاغل خانگی نیز یکی از برنامه هایی است که به گفته معاون مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری قرار است در قالب طرح عفاف و حجاب صورت گیرد. طرحی که بر اساس آن زنان می توانند با اشتغال در خانه های خود، «در محیط امن خانه ها کار کنند.» احتمالا به دنبال این طرح، بی کارسازی گسترده زنان شاغل در پیش است. او، هم چنین به ریشه دار بودن فرهنگ عفاف و حجاب در ایران اشاره کرده و سابقه بحث پوشش در ایران را بیش از «سه هزار سال» عنوان کرده است که باید با فرهنگ اسلامی تجلی یابد و غنی تر شود.

با توجه به تمام مباحثی که در مورد نحوه اجرای این طرح وحشیانه از سوی دولت و مسئولان مطرح می شود، چنین به نظر می رسد در هنگام اجرای طرح عفاف و حجاب، از سویی گشت های ارشاد حضور پررنگ تری در خیابان ها داشته باشند و از سویی دیگر، طرح هایی نظیر نامر به معروف و نهی از منکر، «مشاغل خانگی» و غیره در پی جلوگیری از خروج زنان از منازل و حضور فعال آنان در اعتراضات خیابانی باشند.

سال گذشته، در راه پیمایی های خودجوش مردم علیه حکومت اسلامی، زنان و دختران با جسارت تحسین برانگیز و فوق العاده ای در صف مقدم این راه پیمایی ها بودند و علاوه بر «ندا آقا سلطان»، دست کم ۱۱ زن دیگر برای احقاق حقوق سیاسی و اجتماعی و مدنی خود و همه مردم ایران، جان باختند.

این جان باختگان عبارتند از: فاطمه رجب پور، پریسا کلی، فهیمه سلحشور، شلیر خضری، مبینا احترامی، فاطمه براتی، ندا اسدی، فاطمه سمسارپور، تینا سودی، ترانه موسوی و مریم مهرآذین.

علاوه بر این، از سال گذشته تاکنون، ده ها تن از فعالین جنبش زنان، از فعالان سیاسی، روزنامه نگار گرفت تا فعالان حقوق بشر و حقوق کودکان، دستگیر و زندانی شده اند.

برخی از این زنان عبارتند از: فاطمه رستگار، لاله حسن پور، مرجان صفری، درسا سبحانی، ژینوس سبحانی، سوسن محمدخانی غیاثوند، زینب جلالیان، فرزانه زینالی، پروین جوادزاده، زهرا جباری، کبری زاغه دوست، عاطفه نبوی، شبنم مددزاده، نازنین فرزانه جو، ماه فرید منصوریان، عالیله اقدام دوست، سمیه فرید، آذر منصوری، هنگامه شهیدی، بهاره هدایت، تارا سپهری فر، بدرالسادات مفید، مهدیه گلرو، نیلوفر لاری پور، مریم ضیاء، مریم کریمی، سحر قاسمی نژاد، گلناز توسلی، نگین درخشان، سعیده میرزایی، سما بهمنی، فاطمه سیفی نیا، گلی ابراهیمی، ژیلدا اکرم زاده، شیرین علیپناه، نازنین رضا قلی زاده، الهام حسنی، لیلا سیف الهی و نفیسه اکبری.

اخیرا نیز دو تن از زنان جوان کرد به نام های زینب جلالیان و شیرین علم هولی نیز اعدام شدند. باین ترتیب، ما وقتی درباره ایران و موقعیت زنان سخن می گوئیم با حکومتی ضدزن مواجه هستیم. همه قوانین حکومت اسلامی، ضدزن است. از جمله زن ها حق طلاق ندارند؛ جداسازی جنسیتی وجود دارد. آپارتاید جنسیتی در آن، در سطح گسترده ای اعمال می شود.

در حالی که جامعه ایران در همه زمینه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دچار بحران است برجسته کردن مساله حجاب، بسیار فراتر از حجاب می رود و هدف سرکوب هرگونه صدای آزادی خواهی است. براساس گزارش رسمی سازمان بهره‌وری آسیا (AOP)، در مقایسه سهم بهره‌وری در تولید ناخالص ملی چند کشور وضع ایران بسیار تاسف انگیز است، به طوری که در این مقایسه سهم بهره‌وری در هند ۴۲ درصد، در چین ۴۷ درصد، در کره جنوبی ۴۳ درصد، در ژاپن ۵۳ درصد، و در بنگلادش ۴۶ درصد تولید ناخالص ملی است، ولی سهم بهره‌وری در ایران کم تر از ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی است. (تابناک، ۱ خرداد ۱۳۸۷) با توجه به این که هشتاد درصد اقتصاد کشور در اختیار بخش دولتی است و بخش دولتی بهره‌وری کم تری از بخش خصوصی دارد ارقام فوق بیش تر بر بخش دولتی دلالت دارند تا بخش خصوصی.

بنا به گزارش خبرگزاری های داخلی و بین المللی، امروز دوشنبه ۳ خرداد ۱۳۸۹ برابر با ۲۴ می ۲۰۱۰، سخن رانی احمدی نژاد به یک اعتراض بی سابقه در خرمشهر تبدیل شد.

بنابر این گزارشات، دوشنبه هنگامی که احمدی نژاد به مناسبت سالگرد آزادسازی خرمشهر در این شهر سخن رانی می کرد، مردم سخن رانی او را با فریادهای خود که می گفتند «ما بی کاریم» قطع کردند.

احمدی نژاد روز دوشنبه در حالی که یک حکومت نظامی اعلام نشده در خرمشهر برقرار شده بود و با هدف آفریدن رعب و وحشت در خوزستان و ترساندن مردم و هم چنین استقبال از احمدی نژاد، حتی یک نفر را نیز در ملاء عام در اهواز به دار آویختند. احمدی نژاد، در جمع شماری از نورچشمی های حکومت، در حال سخن رانی بود که مردم به جان آمده خرمشهر، به ویژه کارگران بی کار شده خود را به محل سخن رانی او رساندند و دست به اعتراض زدند. با وجود سانسور شدید در گزارش صدا و سیما جمهوری اسلامی، اعتراض مردم خرمشهر به گوش می رسید و آن ها با شعار «بی کاری، بی کاری»، خشم و اعتراض خود را علیه حکومت جانی نشان دادند. گزارش ها حاکی از آن است که احمدی نژاد، این عنصر منفور و تیرخلاص زن، بلافاصله پس از پایان سخن رانی خود، خرمشهر را ترک کرد و به تهران بازگشت.

باین ترتیب، بحران سیاسی سراسر ایران را فراگرفته است و بحران اقتصادی نیز با بی کارسازی های گسترده، رشد تورم و گرانی در حال گسترش است. در این میان، فشار بر زنان غیرقابل تحمل و کمرشکن است. لازم به تاکید است که همین حکومت جانی و متجاوز پی در پی قانون و بخشنامه بر علیه زنان تصویب و صادر می کند؛ خط و نشان می کشد و تهدید می کند تا با تفرقه اندازی بین زن و مرد و تقویت گرایش ارتجاعی مردسالاری و با انزوای زنان و در واقع با وادار کردن نصف جامعه به سکوت و تمکین، دهان مردم معترض و برابری طلب و عدالت جو را ببندد. سرکوب سیستماتیک زنان در حکومت اسلامی، در همان روزهای نخست قدرت گیری حکومت اسلامی، با فرمان ارتجاعی خمینی، مبنی بر اجباری شدن حجاب اسلامی، یعنی سنبل اسارت زنان آغاز شد و هم چنان ادامه دارد.

اما این همه تحرک حکومتیان یک واقعیت دیگر را نیز به نمایش می گذارد: همه دم و دستگاه سرکوب و آپارتاید جنسی حکومت، در سرکوب زنان و خانه نشین کردن آن ها در این سه دهه، موفق نبوده اند. در چنین شرایطی، طبیعی ست که در مقابل این همه وحشی گری حکومت اسلامی، هر انسان مسئول و مبارزی چه زن و چه مرد وظیفه آگاهانه و داوطلبانه دارد از هر طریق ممکن از جمله جنبش زنان را نیز تقویت کند و فعالانه بر علیه سیاست های ضد زن حکومت اسلامی مبارزه نماید. اما نهایتا با سرنگونی کلیت حکومت اسلامی و برپایی یک جامعه آزاد و برابر و انسانی است که جامعه می تواند گام های جدی در جهت محو آثار زن ستیزی و تفکر ارتجاعی مردسالاری بردارد.

سوم خرداد ۱۳۸۹ - بیست و چهارم می ۲۰۱۰

ضمیمه:

بنا به گزارش خبرگزاری فارس، بخش هایی از متن قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب به شرح ذیل است:

مقدمه:

«حجاب» از ارزنده ترین نمادهای فرهنگی، اجتماعی در تمدن ایرانی - اسلامی است که پیشینه آن به قبل از ورود اسلام می رسد، اما در فرهنگ اسلامی به اوج تعالی و منتهای ارزش و اعتبار خود می رسد. حجاب و عفاف پدیده مذهبی - ارزشی مهمی در تعالیم اسلامی است و توجه به زمینه های فرهنگی - اجتماعی به عنوان بستر آن بسیار شایسته و لازم است و اشاعه و تعمیق آن نیازمند آموزش های بنیادین و مداوم در خانواده، مدرسه، دانشگاه و اجتماع است.

بدیهی است که در کنار شرایط مساعد اجتماعی برای ارزش تلقی کردن و الگوپذیری این فرهنگ، نیازمند درونی و نهادینه شدن آن در وجود افراد است بدون شك رسیدن به این هدف نیازمند مشارکت و توجه جدی همه نهادها و دستگاه ها به صورت مستمر و هدفمند است.

۱- در اولویت قرار دادن موضوع حجاب و عفاف در برنامه های دستگاه های اجرایی کشور برای مقابله با روند فزاینده بدحجابی.

۲- ابلاغ روش های اجرایی و تعیین ضوابط و هنجارهای روشن در مورد نوع لباس و پوشش افراد در بخش های رسمی و اداری کشور.

۳- نظارت بر رعایت حریم حجاب و عفاف در سازمان های دولتی و عمومی و نظارت و تاکید بر ضرورت رعایت سادگی و پوشش و فرم های اسلامی و حضور ساده و بی آرایش در محیط کار به دلیل تاثیر منفی بر مراجعان.

۴- تعریف استانداردهای فرهنگی مناسب برای ترویج فرهنگ عفاف منطبق با فرهنگ دینی و ملی و فراهم کردن زمینه های لازم برای ترویج الگوهای مناسب پوشش اسلامی توسط نهادهای الگو ده.

۵- ایجاد مراکز و موسسات متعدد با هدف الگوسازی، ارائه مدل های مناسب و متنوع و ایجاد رقابت سالم در زمینه بین افراد.

۶- وضع قوانین و مقررات لازم برای اصلاح وضعیت پوشش در جامعه.

۷- گسترش و تقویت مراجع قانونی برای ترویج پوشش اسلامی در جامعه.

۸- اصالت بخشی به فرهنگ عفاف از طریق محصولات متنوع فرهنگی، هنری متناسب.

۹- رعایت حجاب و حفظ شئون اسلامی از سوی مدیران، مسئولان حکومتی و خانواده های آنان و تدوین شاخص هایی در این زمینه برای گزینش مدیران.

۱۰- رفع اشکالات قانونی در نحوه تولید، توزیع و عرضه پوشاک داخلی و خارجی.

۱۱- پیگیری نحوه اجرای طرح گسترش فرهنگ عفاف به صورت مستمر در جلسات شورای فرهنگ عمومی استان ها و ارائه گزارش های منظم به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (رییس کمیته).

۱۲- ارزیابی دقیق از اجرای طرح ها توسط دستگاه های فرهنگی، انتظامی و قضایی برای مقابله با مظاهر بدحجابی و یافتن راهکارهای مناسب توسط کمیته توسعه و ترویج فرهنگ عفاف.

۱۳- نظارت و ارزیابی عملکرد رسانه ها - خصوصا صدا و سیما - در ارتباط با الگوهای تبلیغی آن ها و تاثیر آن در جامعه.

۱۴- احیاء سنت حسنه «امر به معروف و نهی از منکر» در مورد حجاب و عفاف.

۱۵- فراهم کردن زمینه های لازم برای تهیه کتب، نشریات و تولیدات علمی - فرهنگی به منظور ترویج فرهنگ عفاف و پاسخ گویی به شبهات موجود در مورد آن.

۱۶- انجام سیاست های تشویقی درباره مدیران و کارگزارانی که در محیط کار خود اصول عفاف و پوشش اسلامی را رعایت می کنند.

وظایف تخصصی دستگاه های قانونگذار و اجرایی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

- ۱- هماهنگی و نظارت بر رسانه های ارتباط جمعی همانند: روزنامه ها، مجلات و محصولات سمعی و بصری، نمایش ها و ... برای توجه به فرهنگ حجاب و عفاف و رعایت آن.
 - ۲- حمایت مادی و معنوی از آثار فرهنگی - هنری همانند تسریع در صدور مجوز، ارایه پارانه و تشویق تولید کنندگان آثار فرهنگی و هنرمندانی که راهکارهای تازه و جذاب در راستای توسعه فرهنگ عفاف ارائه می کنند.
 - ۳- جلوگیری از انتشار و تبلیغ کالاهای فرهنگی که با فرهنگ عفاف و حجاب مغایرت داشته باشد مانند (کتاب، فیلم، نشریات، تئاتر و ...)
 - ۴- ترویج الگوهای مناسب برای عفاف و حجاب و ممانعت از ترویج فرهنگ مدگرایی منفی در محصولات و کالاهای فرهنگی.
 - ۵- هماهنگی و همکاری با رسانه های جمعی برای ایجاد حساسیت لازم در خانواده ها نسبت به اهمیت فرهنگ حجاب و عفاف.
 - ۶- تولید سمفونی و آثار موسیقایی متناسب با موضوع عفاف و حجاب.
 - ۷- برگزاری جشنواره های فرهنگی - هنری، منطقه ای، ملی و بین المللی برای رواج فرهنگ عفاف و حجاب.
 - ۸- استفاده از ظرفیت سازمان های فرهنگی غیردولتی و خصوصی جهت ترویج فرهنگ عفاف و حجاب.
 - ۹- نظارت فرهنگی بر اینترنت و ایجاد سیاست های حمایتی و هدایتی به منظور تعمیق فرهنگ عفاف و حجاب و جلوگیری از ورود و گسترش مظاهر تهاجم فرهنگی.
 - ۱۰- تبیین و تحلیل ریشه های دینی و اعتقادی فرهنگ عفاف و حجاب - به ویژه برای نسل جوان - از طریق تولیدات ملی، برگزاری نشست های فکری - فرهنگی، ایجاد باشگاه اندیشه و مانند آن.
 - ۱۱- نظارت بر تشکل های هنری - مردمی، نمایشگاه های هنری و محافل هنری عمومی مانند: کنسرت ها و نمایشگاه ها در جهت رعایت عفاف و حجاب.
 - ۱۲- اهتمام لازم برای اجرای قانون «منع استفاده ابزاری از تصاویر زنان در مطبوعات».
 - ۱۳- به عضویت پذیرفتن خانم های متعهد و مطلع از مسائل عفاف و حجاب در هیئت های نظارت بر بازیابی فیلم، کتاب و ...
 - ۱۴- تهیه فیلم های سینمایی در مورد تاریخچه کشف حجاب در ایران و بررسی علل و عوامل آن.
 - ۱۵- استفاده مناسب از لباس های اسلامی - ملی (حجاب و حجاب برتر) در فیلم های سینمایی و استفاده نکردن از این پوشش توسط شخصیت های منفی و منفور در فیلم ها.
 - ۱۶- ارزیابی مستمر وضعیت حضور زنان در فیلم های سینمایی و مطبوعات.
 - ۱۷- نظارت دقیق و اصولی بر وضعیت فرهنگی - اخلاقی سالن های سینما و مراکز مربوط به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 - ۱۸- حمایت از انتشار نشریات تخصصی و پوشاک اسلامی و سعی در جهانی کردن این نشریات از طریق اینترنت.
 - ۱۹- ارتباط مستمر و تبلیغ در جهت گسترش فرهنگ و سنن ایرانی - اسلامی در بین ایرانیان مقیم خارج از کشور به وسیله رایزنی های فرهنگی در سفارتخانه های ج.اسلامی ایران در سراسر دنیا (با همکاری سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی)
 - ۲۰- همکاری و هماهنگی در جهت اعزام گروه های فرهنگی جهت ترویج و تبلیغ فرهنگ و آداب اسلامی - ملی برای سایر ملل- خصوصا ایرانیان مقیم خارج از کشور - (با همکاری سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی)
 - ۲۱- توسعه و گسترش ارتباط فرهنگی - اسلامی و ملی بین سفارتخانه های کشورهای اسلامی در ایران (با همکاری سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی).
- وزارت بازرگانی
- ۱- حمایت عملی از طراحان و تولیدکنندگان پوشاک های ساده و اسلامی در جهت ایجاد تنوع در الگوهای پوشش اسلامی.
 - ۲- نظارت مستمر و موثر بر عملکرد واحدهای تولیدی پوشاک از طریق سازمان های مربوطه.
 - ۳- حمایت کامل - حتی پارانه ای - از واحدهای تولیدی پارچه های چادری.
 - ۴- کنترل اماکن تجاری عمومی (شامل فروشگاه ها، مجتمع های تجاری، نمایشگاه ها و ...) از نظر پوشش و بدحجابی.
 - ۵- تدوین قوانینی برای ممنوعیت عرضه لباس دست دوم خارجی در کشور.
 - ۶- اجرای شیوه نامه و ملزم ساختن، واحدهای تولیدی جهت نصب نام تجاری (Brand) بر روی پوشاک تولید شده در داخل.
 - ۷- اطلاع رسانی و ارتقاء سطح دانش و بینش واحدهای تولیدی، توزیعی، آرایشگاه ها، دستگاه های عرضه لوازم بانوان در مورد حجاب و عفاف.
 - ۸- حمایت های همه جانبه از برگزاری جشنواره های ادواری و نمایشگاه های عرضه البسه و لوازم زنان منطبق با الگوهای ارزشی اسلامی و معرفی واحدهای نمونه در سطح کشور و خارج از کشور.
 - ۹- پیشنهاد قوانین مشخص در مدت ۳ ماه برای نظارت بهتر بر تولید و توزیع پوشاک و نحوه برخورد با متخلفان واحدهای تولیدی و استانداردهای آن به شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی.
 - ۱۰- اهتمام برای اجرای مناسب تر مقررات درچیدمان آرایش - تزئین ویتترین ها و استفاده از مانکن ها جهت حفظ عفت عمومی.
 - ۱۱- نظارت بر رعایت اصل عفاف در نوع بسته بندی و عدم استفاده از تصویرهای نامناسب در تبلیغات تجاری کالا.
 - ۱۲- تهیه احکام شرعی مرتبط با اسناد و آموزش آن به اصناف توسط وزارت بازرگانی قبل از اخذ مجوز فعالیت.
 - ۱۳- برگزاری نمایشگاه های لباس - ملی و مذهبی - جهت ارائه الگوهای اسلامی و سالم به تولیدکنندگان و مصرف کنندگان.

سازمان صدا و سیما

- ۱- اهتمام ویژه در خصوص معرفی و ترویج فرهنگ عفاف به منظور نهادینه سازی و جذاب نمودن آن.
- ۲- تبیین نقش حجاب و عفاف در افزایش سلامت جامعه و بهره‌وری آن از طریق تولید برنامه‌های مختلف.
- ۳- فرهنگ سازی در زمینه اصلاح پوشش نامناسب و ارائه راه حل‌های موثر و فوری از طریق تولید برنامه‌های کارشناسی، گفتمان، تولید فیلم، تیزرهای تلویزیونی و ...
- ۴- تبیین و آموزش احکام شرعی حجاب و عفاف و رعایت حریم عفاف در خانه و اجتماع و آموزش معیارهای رفتار صحیح زن و مرد جهت برقراری روابط متعادل اجتماعی.
- ۵- به تصویر کشیدن ابعاد شخصیت‌های الهی اسلام چون حضرت زهرا (س)، حضرت زینب (س) و زنان نمونه از صدر اسلام تا دوران معاصر در مناسبت‌های مذهبی و ملی و تأثیر آن در فرهنگ سازی و گسترش ارزش‌های اسلامی به صورت جذاب.
- ۶- ترویج الگوهای مناسب حجاب از طریق تولید فیلم و سریال و سایر برنامه‌های تلویزیونی و انجام مناظره علمی، فرهنگی و هنری در خصوص فلسفه حجاب و عفاف به منظور استحکام بنیه اعتقادی و فرهنگی جوانان.
- ۷- به تصویر کشیدن چهره بانوان محجبه کشورهای خارجی در زمینه‌های مختلف فرهنگی، هنری، اجتماعی و سیاسی از طریق برنامه‌های تلویزیونی و تهیه فیلم از زندگی آنان.
- ۸- تهیه فیلم و ارایه تصویر روشن از تاریخچه و خاستگاه کشف حجاب در ایران به عنوان یک حرکت سیاسی با هدف تخریب بنیان‌های فکری و عقیدتی و رفتاری زنان در جامعه.
- ۹- آموزش و ترویج احکام شرعی حجاب و پوشش بومی (منطقه ای) در جغرافیای جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۰- به تصویر کشیدن زنان تحصیلکرده، ممتاز، متعهد و باحجاب در فیلم‌ها و مجموعه‌های هنری و پرهیز از نشان دادن آنان در نقش‌ها و شخصیت‌های عامه و کم‌سواد.
- ۱۱- نشان دادن وضعیت حقوقی، فرهنگی و اجتماعی زنان در غرب و مقایسه آن با وضعیت زنان در غرب و مقایسه آن با وضعیت زنان در ایران به منظور ایجاد احساس رضایت خاطر زنان ایرانی از فرهنگ دینی و پایبندی آگاهانه تر آنان به عفاف و حجاب.
- ۱۲- نشان دادن اثرات منفی فرهنگ مبتذل و غیراخلاقی غرب در زندگی اجتماعی و خانوادگی.
- ۱۳- انجام تمهیدات لازم برای کاهش تاثیرات منفی سریال‌ها و فیلم‌های خارجی متضاد با فرهنگ اسلامی از طریق نقد و بررسی فیلم‌ها و سریال‌ها.
- ۱۴- معرفی نمونه‌های عینی از اساتید، مربیان، نغرات اول کنکور، المپیادی‌ها و خانواده‌های اینترگران و .. از نظر مظاهر عفاف و حجاب و ساده زیستی.
- ۱۵- انعکاس موفقیت‌های جوانان - خصوصاً دختران - در ابعاد مختلف با هدف احیا و تقویت شخصیت و منزلت اجتماعی آن‌ها.
- ۱۶- تهیه فیلم و گزارش از زندگی زنان فعال در عرصه‌های خانوادگی، مدیریتی، علمی، فرهنگی و هنری با محوریت موضوع «عفاف و پوشش».
- ۱۷- آشنا کردن خانواده‌ها و جوانان نسبت به برگزاری ازدواج کم هزینه و ساده با توجه به شرایط اقتصادی جامعه.
- ۱۸- بازنگری در شرایط انتخاب فیلم‌ها و سریال‌های خارجی بر اساس ملاک‌های حجاب و عفاف.
- ۱۹- تهیه برنامه‌های متناسب با فرهنگ حجاب و عفاف برای کودکان و استفاده از قهرمان‌های عروسکی مطرح در کارتون‌ها و برنامه‌های کودک نظیر (علی کوچولو، کلاه قرمزی و ... در ترویج فرهنگ عفاف و حجاب با همکاری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان)
- ۲۰- تهیه برنامه‌های مختلف در خصوص تاریخچه و جایگاه پوشش و حجاب در غرب، تبیین علل و عوامل آن و چگونگی رواج فرهنگ برهنگی در سده‌های اخیر در آن جوامع.
- ۲۱- نظارت مستمر بر تبلیغات تجاری به منظور جلوگیری از ایجاد روحیه مصرف‌گرایی و تجمل‌پرستی به عنوان عوامل ترویج بی‌مبالاتی اخلاقی و سرقت آن به سوی تبلیغات و آگهی‌ها فرهنگی و اخلاقی.
- ۲۲- تدوین سیاست‌های روش و مشخص در مورد سبک لباس و آرایش هنرمندان، مجریان زن و مرد و ... در برنامه‌ها، فیلم‌های سینمایی، تأثیر و ... با محوریت عفاف و حجاب.
- ۲۳- اطلاع‌رسانی مناسب و دقیق به خانواده‌ها در مورد علل آسیب‌های اجتماعی و انحرافات در خصوص زنان بی‌سرپرست، کودکان خیابانی، طلاق، اعتیاد، فرار دختران و نشان دادن عدم رعایت عفاف و حجاب در بروز این آسیب‌ها.
- ۲۴- انعکاس عواقب منفی استفاده از فیلم‌ها، نوارهای مبتذل و حضور در گروه‌های منحرف بر زندگی فردی - اجتماعی از طریق برنامه‌های مناسب به صورت طبیعی و غیرعمدی.
- ۲۵- نشان دادن اثرات منفی تأثیر فرهنگ مبتذل و غیراخلاقی غرب در زندگی اجتماعی نوجوانان به صورت طبیعی.
- ۲۶- بیان آیات و روایات و توصیه‌های دینی در مورد مسئولیت مشترک زن و مرد در رعایت نگاه، رفتار و گفتار.
- ۲۷- اتخاذ سیاست‌های انضباطی در خصوص بازیگران زن صدا و سیما و جلوگیری از تجلیل و تبلیغ چهره‌هایی که در مناظر اجتماعی و عمومی با ظاهر و پوشش بد حضور پیدا می‌کنند.
- ۲۸- ترغیب و تشویق تولید کنندگان آثار فرهنگی که راهکارهای بدیع و جذاب در راستای تعمیق و توسعه فرهنگ عفاف ارائه نمایند.
- ۲۹- تجلیل از هنرمندان و فرهنگسازان متعهد که در اشاعه فرهنگ عفاف و حجاب صاحب اثر و نظر هستند.
- ۳۰- افزایش سطح آگاهی خانواده‌ها از طریق رسانه ملی در مورد اهمیت فرهنگی عفاف و حجاب.
- ۳۱- سفارش ساخت و تولید آثار برجسته و تأثیرگذار در موضوع حجاب...